



انقلاب شکوهمند سفید

محمد شریف منصور

دلایل ، تلفات ، واکنش ها و ناگفته های کودتای ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقديم به :

شهيد محمد داود خان کبير
رهبر بزرگ انقلاب ملی سرطان
۱۳۵۲
بنیان گذار مهربان نظام مردمی
جمهوری و
نخستین رئیس جمهور افغانستان
اسلامی

مشخصات کتاب :

اسم کتاب : انقلاب شکوهمند سفید

نویسنده : محمد شریف منصور

صفحه آرایی : منصور

نشر الکترونیک: پورتال افغان **جرمن آنلاین**

<http://www.afghan-german.com>

{پورتال کثرت گرا، پایبند به اصول نشراتی قبول شده جهانی، مبشر افکار اندیشمندان، وطن دوستان و مدافع هویت ملی افغان ها}

قاموس **کبیر افغانستان**:

قاموس زبان دری و پشتوی افغانستان

<http://www.afghan-dic.com>

حق نشر برای نویسنده و ناشر کتاب محفوظ است

فهرست :

۸	مقدمه
۹	شناسنامه محمد داود خان
۱۲	انقلاب سفید
۱۵	دلایل انقلاب
۱۷	نامه های داود خان به پادشاه
۳۳	داود خان و اندیشه کودتا
۳۵	چگونگی شکل گیری نیروی انقلابی
۳۸	آزمایش کودتاجیان
۳۹	صدور فرمان حرکت

شب کودتا ۴۰

دستگیری سردار عبدالولی خان ۴۲

مقاومت در برابر انقلاب ۴۳

تلفات انقلاب ۴۴

انقلاب پیروز میشود ۴۶

اعلامیه نظام جمهوری ۴۷

واکنش مردم ۵۲

واکنش های جهانی ۵۳

امریکا و جمهوری افغانستان ۵۷

وضعیت ناگوار پادشاه و خانواده سلطنتی ۷۲

۷۳ استعفاي يادشاه

۷۵ کنفرانس مطبوعاتي

۷۶ کابينه جمهوري

۷۷ بيانيه خطاب به مردم افغانستان

۱۰۰ پرچم جمهوريت

۱۰۵ سرود ملي جمهوري

۱۰۸ تغييرات ديگر

۱۰۹ دو باور نادرست نسبت به داود خان

۱۱۱ منابع

مقدمه :

از گذشته های دور تاکنون انقلاب های زیادی برای بهتر شدن وضعیت مردم به وقوع پیوسته اند یکی از این انقلاب ها ، انقلاب سفید افغانستان بود که در شب ۲۶ سنبله به وقوع پیوست و به سقوط سلطنت و روی کار آمدن نظام جمهوری منجر شد .

در اکثر کشورها پس از انقلاب میلیون ها تن از شهروندان آن کشورها بدبخت شده اند تا انقلاب پابرجا بماند ، اما انقلاب سفید افغانستان مستثنی بود زیرا این انقلاب با هیچ کشوری به دشمنی برنخواسته بود و رهبر آن محمد داود خان همه چیز را برای مردمش میخواست نه خود و خانواده اش .

در این کتاب سعی کرده ام که حقایق و نگفته ها را بنویسم و هرچه بیشتر و بهتر خواننده را با انقلاب سال ۱۳۵۲ ، محمد داود خان رهبر آن ، و دوران ریاست جمهوری ایشان آشنا کنم .

در پایان از دوست مهربانم آقای محمد قاسم باز فرزند شهید بازمحمد خان منگل سپاس گذاری میکنم که اطلاعات و خاطرات ارزشمندشان را با کمال مهربانی در اختیار من گذاشتند .

محمد شریف منصور

۱۳۹۹/۶/۱۴

شناسنامه محمد داود خان رهبر انقلاب :

نام کامل : محمد داود خان

معروف به : سردار محمد داود

اسم پدر : سردار محمد عزیز خان

زاد روز : ۲۷ سرطان ۱۲۸۸ مصادف با ۱۸ جولای ۱۹۰۹

زادگاه : کابل

دین : اسلام

مذهب : اهل سنت

تحصیلات ابتدایی ، عالی و نظامی :

لیسه امانیه کابل

لیسه جیسن دوسیلی پاریس ، فرانسه

کورس یک ساله مکتب حربی (پیاده)

همسر : شاهدخت میرمن زینب

فرزندان: شهید محمد خالد، شهید محمد عمر، شهید محمد ویس،

شهید زرلشت، شهید شینکی، شهید تور پیکی میرمن درخانی

جناح سیاسی : حزب انقلابی ملی

وظایف قبل از ریاست جمهوری :

- ۱_ قومندان گارنیزیون ننگرهار
- ۲_ والی ننگرهار
- ۳_ نائب الحکومه ولایت قندهار_ قومندان قطعات اردوی ملی در ولایت های قندهار و فراه
- ۴_ قومندان قوای مرکز_ امر عمومی مکاتب حربی
- ۵_ وزیر دفاع ملی
- ۶_ سفیر افغانستان در فرانسه (و سفیر غیر مقیم در سویس و بلجیم)
- ۷_ وزیر داخله
- ۸_ صدراعظم

شهادت :

محل شهادت : کابل ، ارگ ریاست جمهوری
 تاریخ شهادت : ۸ ثور ۱۳۵۷ مصادف با ۲۷ اپریل ۱۹۷۸
 سن هنگام شهادت : ۶۸ سال

خصوصیات رهبر انقلاب :

محمد داود خان شخصیتی شدیداً ملی گرا ، قانون مدار ، شیفته خدمت به ملت و کشور و یک مسلمان واقعی بود ، به اسلام علاقه خاصی داشت و احکام دین مبین اسلام را با جدیت انجام میداد .
منافع ملی خط قرمز او بود .

شخصاً مردی جوانمرد بود و بخش مهمی از اموال و دارایی هایش را به مردم نیازمند و موسسات خیریه بخشید اما نسبت به اموال دولتی بی نهایت سختگیر بود .

در دوران صدارت و دوران ریاست جمهوری حاضر نشد معاش و یا امتیازی از دولت دریافت کند .

مردمش را بی نهایت دوست داشت و مردم هم او را دوست داشتند و دارند .

انقلاب سفید :

در سال ۱۹۷۳ محمد داود خان صدراعظم اسبق پسر کاکا و شوهر خواهر محمد ظاهرشاه ، آخرین پادشاه افغانستان با انجام کودتایی نظام شاهی را ساقط و نظام جمهوری را جایگزین آن کرد ، محمد داود خان پس از ده سال انزوا دوباره به صحنه بازگشت ولی این بار نه به عنوان یک مقام سلطنتی بلکه به عنوان رهبر انقلاب و نخستین رئیس جمهور افغانستان .

این کودتا با تلفات انگشت شماری همراه بود و مقاومت چندانى در برابر کودتاگران صورت نگرفت به همین خاطر آن را کودتا و یا انقلاب سفید نامیدند .

رهبری کودتا را محمد داود خان به عهده داشت ، محمد داود خان که در قوای مسلح افغانستان رتبه جنرالی را کسب کرده بود و در پست های مهمی مانند فرمانده قوای مرکز و وزارت دفاع ملی به ایفای وظیفه پرداخته بود به خوبی از عهده طرح پلان کودتا و اجرای آن برآمد و توانست طی یک شب نظام چند هزار ساله سلطنتی را براندازد ، عوامل اجرایی کودتا افسران ارتش افغانستان بودند ، ترکیب اصلی این نظامیان را افسران وفادار به محمد داود خان و افسران چپ گرا مانند فیض محمد وزیری و سیدمحمد گلابزوی صاحب منصب قوای هوایی تشکیل میدادند .

ظاهرشاه پادشاه افغانستان که طی حادثه ای چشمش زخمی شده بود در زمان کودتا در ایتالیا به سر میبرد و نبود او در زمان

وقوع کودتا در کابل باعث شد که شایعه هایی مبنی بر اطلاع او از زمان کودتا در میان مردم پخش شود .

کودتا در غیاب پادشاه :

محمد داود خان نمیخواست در غیاب پادشاه کودتا رخ بدهد زیر از یک سو کودتا در غیاب پادشاه را از جوانمردی به دور میدانست و از سوی دیگر پیشبینی میکرد که کشور و یا کشورهای پادشاه را مجبور کنند که بر علیه او و کشور جبهه بگیرد.¹

گذر زمان ثابت کرد که شهید محمد داود خان درست اندیشیده بود ، علم وزیر دربار ایران بینهایت امیدوار بود که پادشاه بر علیه محمد داود خان و نظام جمهوری موضع بگیرد ، پادشاه که میدانست اینکار افغانستان را به سوی بحران خواهد برد نپذیرفت .

1_ تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان ، دکتر محمد حسن شرق ، ص ۱۶۲

دلایل انقلاب :

محمد داود خان شخصی متجدد و اصلاح طلب بود ، او به شدت طرفدار یک تحول بزرگ در افغانستان بود ، همان تحولی که در کشورهای دیگر مشاهده میکرد ، محمد داود خان و همفکرانش در ابتدا امیدوار بودند که پادشاه شخصا بانی این تحول بشود اما کم کم پی بردند که پادشاه این کار را نخواهد کرد ، محمد داود خان دوبار برای پادشاه نامه نوشت و این مطالب را تذکر داد و پس از نا امیدی نامه ای دیگری فرستاد که متن استعفایش را نوشته بود .

محمد داود خان حدود یک دهه منتظر ماند تا شاید اوضاع رو به بهبودی برود ولی نرفت ، بالاخره صبر محمد داود خان به سر آمد و با کمک نظامیان ، نظام سلطنتی را ساقط کرد و اساس جمهوریت را گذاشت .

توجه کنید به بخشی از بیانیه محمد داود خان :

وطن پرستان در هر گوشه و کنار مملکت که بودند این حالت رقت بار وطن خود را با یک دنیا تاثر و تالم نگاه میکردند و مراقب احوال وطن خود بودند ، مخصوصا اردو این درد را بیشتر احساس میکردند و به امید این که امروز و فردا این دستگاه فاسد و فرسوده بالاخره از وضع بدبخت (بدبختی) ملت مطلع شده و به

اصلاح خود خواهد کوشید انتهای صبر و حوصله را به خرج دادند ، اما نتیجه ثابت ساخت که این امیدها به کلی بیجا و رژییم و دستگاه دولت به حدی فاسد گردید که دیگر امید و انتظاری برای اصلاح آن باقی نماند .

نامه های داود خان به پادشاه :

همانطور که گفتیم محمد داود خان برای پادشاه ۳ نامه فرستاد ، نامه اول محمد داود خان به تاریخ ۹ سرطان سال ۱۳۴۱ نوشته شده بود ، پادشاه جواب راضی کننده ای برای محمد داود خان فرستاد ، نامه اول :

نامه اول محمد داود خان صدراعظم بحضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه:

مورخ 9 سرطان 1341 شمسی (30 جون 1962)

«حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان!

آنچه را امروز حضور شما بعرض میرسانم، تصور میکنم در سرنوشت آینده ملت افغان آنقدر مهم و حیاتی و به دوره سلطنت شما آنقدر اقدام بزرگ و تاریخی باشد که میتوان در اطراف آن کتابی نوشت و یک عالم دلائل و توضیحات بعرض رساند. اما میدانم عرایض طولانی هم برای کسیکه مینویسد و هم برای خواننده بعضاً خسته کننده می باشد، لذا

نمی خواهم عریضه من طولانی باشد. کوشش میکنم بصورت بسیار مختصر چیزی را که بعقیده خود که همیشه عقیده من بوده و خواهد بود، خیر و سعادت ملت افغانستان و اقدام بزرگ و تاریخی دوره سلطنت شما میدانم، بحضور شما بعرض برسانم. موجبات و دلائل اینکه چرا تحول اجتماعی باید درین مملکت بعمل

آید، ضرور نیست درین جا توضیح کنم زیرا در اطراف آن همیشه صحبت نموده ایم. افکار و نظریات بنده درین خصوص گمان میکنم کافی، روشن و بحضور شما معلوم است. تصور میکنم که بهترین موقع اظهار همچو یک مفکوره از طرف حکومت وقتی بود که پلان دوم اقتصادی به شورای ملی تقدیم میشد و در ضمن آن خطوط اساسی تحول اجتماعی به سمع و کلای شورا رسانیده میشد. چون از یکطرف از طرز تفکر بعضی از رفقای کابینه اطلاع نداشتیم و از طرف دیگر حضور شما بکابل تشریف نداشتید، بنا بر این موقع گذشت، اما هر قدم که برای خیر و سعادت ملی برداشته میشود، به هروقت و زمانیکه باشد، یقیناً مفید و مؤثر است، مشروط بر اینکه بسیار ناوقت نشده باشد.

بعقیده من جریانات عصر و زمان تحولی را ایجاب میکند و حضور شما چنین یک تحولی را به حال مملکت موزون و مفید میشمارید که بنده از هر نقطه نظر آنرا لازم میدانم، پس تصور میکنم عملی ساختن همچو یک مفکوره اگر به وقت و در یک فضای نسبتاً مساعدتر صورت بگیرد، تأثیر آن عمیقتر و انعکاسات آن خوبتر خواهد بود. ازین لحاظ بنده همین موقع را برای شروع این کار به وقت و بجا میدانم. شک نیست که تطبیق پلان پنجساله اول از هر جهت نزد اکثر طبقات بی تأثیر نبود و نهضت نسوان که یک قدم مهم اجتماعی بود، مخصوصاً نزد طبقات منور و جوان طرف تقدیر واقع شد و روی هم رفته تا اندازه یک فضای امید و خوشبینی تولید نمود.

اما باید دانست که انکشاف اقتصادی، افکار و ذهنیت های جدید اجتماعی را حتماً با خود آور نیست و اگر در قسمت حیات معنوی که به عقیده

من فوق العاده مهم، ضروری و خالی از اشکال نیست، توجه و سنجش عمیق بعمل نمی آید و به غرض رهنمائی یک ملت به مقصد رسیدن به هدف مطلوب، موازی با پلان اقتصادی، پلان تحول اجتماعی طرح و عملی نمی گردد، روزی خواهد رسید که موازنه بکلی برهم بخورد، دفعتاً این مملکت به مشکلاتی دچار گردد که ممکن است در آنوقت حل آن انقدر سهل و ساده نبوده و به منفعت ملی افغانستان تمام نشود، چه مردم، مخصوصاً طبقه منور، از نقطه نظر اجتماعی آرزومند تحول بوده و به آن انتظار دارند و در خفا اقسام افکار و عقاید و ذهنیها موجود است.

اجانب برای مقاصد سیاسی خود مشغول فعالیت اند، این طرز حکومت برای مردم مخصوصاً طبقات منور چندان خوش آیند نیست و خسته شده اند.

برای حضور اعلیحضرت و بعضی دیگران، اگر این طرز قابل تحمل است، برای بنده که منسوب به خاندان هم هستم، چون عاقبت آنرا به ضرر مملکت و ناکامی سلطنت می بینم، برآستی عرض میکنم که بعد از این قابل دوام نیست.

از طرف دیگر بصورت مستقیم و غیر مستقیم منسوب به خاندان، کاردار و یا بیکار، خورد و کلان، امتیازاتی به خود قائل هستند و این چیز را یک حق مثبت و طبیعی خود میدانند، قوانین مملکت هرچه باشد در نظر آنها بیش از چند کلمه

بی معنی ارزش دیگر ندارد و غیره و غیره.. پس با همه باید مطابق مطابق قانون و مقررات رفتار کرد.

پرسش و بازخواست وقتی ممکن و مؤثر شده می تواند که در آن امتیازی موجود نباشد و اگر امتیاز موجود شد، مفهوم حقیقی قانون و عدالت از بین رفته و اگر این بازخواست یک طرف اجرا می شود، نتیجه آن جز از تولید عکس العمل و بدبینی به مقابل حکومت و سلطنت چیزی دیگری نخواهد بود.

اعلیحضرتا!

صفحات گذشته افغانستان بهترین درس است که میتوان از آن عبرت گرفت، تاریخ گذشته افغانستان و آنچه را که خود در حیات دیدیم و تجربه کردیم، به ما واضح ساخت که جاه طلبی ها و رقابت ها و شخصیات و خودسری های افراد در خاندان سلطنتی و یا در دستگاه حکومت و چه در بین طبقات با نفوذ مملکت، جز ناکامی و بربادی خود آنها، خساره مالی و مصئونیت مملکت نتیجه نداشت و ندارد. خدا نکند که آن وقایع تلخ در این عصر و دوره سلطنت اعلیحضرت شما دوباره تکرار شود. من که بارها بحضور شما عرض نموده ام، از صمیم قلب یکبار دیگر عرض میکنم که این طرز اداره مملکت و این فضای خاندانی با ذهنیتی که آن ها تربیه شده اند، بعد ازین با هر تعبیری که از آن کرده شود، چه از نگاه مسئولیت وظیفوی و چه از نقطه نظر عقیده شخصی برای من قابل تحمل نیست.

لذا نظر و پیشنهاد من بحضور اعلیحضرت شما ازین قرار است:

الترناتیف اول:

اینکه ملت افغانستان چه شکل اداره را برای مملکت مفید و مناسب میداند، توسط یک ریفراندوم عمومی رأی آزادانه ملت افغانستان خواسته شود. درجه فهم و تطبیق عملی ساختن همچو یک رأی گیری نظر به سویه فعلی مردم ما چه خواهد بود، خیلی مجهول و در ظاهر غیر عملی به نظر میرسد. از طرف دیگر چون در همچو یک ریفراندوم طبیعتاً حرف از سیستم های مختلف بمیان خواهد آمد، لذا فیصله و قرار آخرین آنها تنها و تنها به شخص اعلیحضرت شما بحیث پادشاه افغانستان مربوط است و بس.

الترناتیف دوم:

1 - کمیونی مرکب از متخصصین حقوق و اشخاص با صالحیت و باتجربه تعیین گردد تا در قانون اساسی تجدید نظر نموده، پروژه های قانون اساسی جدید را به اساس سلطنت مشروطه ترتیب و به حکومت تقدیم دارند.

2 - همچنین عین کمیون یا کمیون دیگر قانون انتخابات و دیگر قوانین مهم که به قانون اساسی رابطه نزدیک دارد، تدوین و بغرض غور و مطالعه بحکومت تقدیم دارند.

3 - پس از غور و تصویب دولت لویه جرگه انعقاد گردیده و قوانین مذکور بغرض غور و تدوین و تصویب به لویه جرگه تقدیم گردد.

4 - پس از تصویب قانون اساسی از طرف لویه جرگه آمادگی برای انتخابات گرفته شده و به اساس قانون جدید انتخابات عملی گردد.

5 - باختم انتخابات و افتتاح شورای جدید (به اساس یک حزب و دو حزب) حکومت فعلی مستعفی و حکومت جدید تشکیل و زمام امور مملکت را بدست خواهد گرفت.

این اجراءات باید به اساس این پروگرام بوقت معین عملی گردد.²
(پایان نامه اول)

² __ نامه های سردار محمد داود به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ، داکتر سید عبدالله کاظم ، پورتال افغان جرمن آنلاین

نامه دوم :

پس از دریافت پاسخ پادشاه ، محمد داود خان نامه ذیل را برای پادشاه فرستاد :

نامه دوم محمد داود خان بحضور پادشاه:

مورخ 24 جدی 1341 شمسی (11 جنوری 1963)

«حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان!

به جواب مکتوب مورخه 12 سنبله 1341 اعلیحضرت احتراماً
بعرض میرسانم:

برای من و رفقایم جای بس مسرت است که اعلیحضرت همایونی در اصل پرنسیپ میفرمایند که یکی از آرزوهای دیرین شان است، الحمدلله توافق نظر موجود است، همچنین اعلیحضرت به نکته مهم دیگری تماس فرمودند و می نویسند که : بلکه یک هدف مقدس و مشخص است که از افکار و آرزوهای عالی مؤسس این دوره یعنی اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید سر چشمه میگیرد و امانتی است که بردوش ما گذاشته شده است «

بلی! یک حقیقت مسلم است و به پیروی از افکار و آرزوهای عالی آن شخصیت بزرگ است که میخوایم به آن هدف مقدس و مشخصی که خیر و بهبود ملت افغان در آن متصور است، نائل شوم. این فرمایش اعلیحضرت همایونی را تائید و تصدیق میکنم

که اگر این مفهوم عالی انجام طبیعی و هدف نهائی این دوره نباشد گویا هم مبارزات و کاملاً قربانی های پدران و مساعی امروزی ما معنی حقیقی خود را از دست خواهد داد.

اینکه اعلیحضرت در پاراگراف اخیر بیان خویش به وقت و زمان و اشخاص و رجالی که فردا مسئولیت عملی ساختن این آرزو را بدون تردید بدوش گیرند، اشاره فرموده و آنرا دو عامل مهم، بلکه شرط اساسی تطبیق نمودن این آرزوها شناخته، فرمایش اعلیحضرت بجا است. در طی پیشنهاد به عرض میرسد که وقت آن رسیده است و ما به این عقیده رسیده ایم که چنین نهضتی آغاز گردد و هم بوجود آمدن اشخاص و رجالی که بایست اداره مملکت را در آینده به

آنها تفویض نمود، مربوط به این است که چنین نهضتی موجود باشد و چنین محیطی ایجاد گردد تا استعداد مردم موقع بروز و انکشاف بیابد، من معتقدم که اگر چنین حرکتی نباشد، رجالی که مسئولیت اداره آینده را به عهده بگیرد، اصلاً بوجود نخواهد آمد.

پس از تذکر مطلب فوق اینک به اصل موضوع می پردازم. آرزوی یک تحول اجتماعی از دیر زمان به این سو نزد همه ما موجود است به سابقه این آرزوها درین چندسال اخیر در ترقی و تعمیم معارف، انکشاف عمومی اقتصادی و آماده ساختن محیط برای اصلاحات اجتماعی و نشو و نما افکار ترقی خواهی حتی الامکان سعی و مجاهدت بعمل آمده است که در نتیجه این مجاهدت و انکشاف مذکور طبقه معتنابه جوانان و منورین در وطن بوجود آمده که حالا آرزوی این تحول به یک عقیده قابل تطبیق منجر

گشته است. بنابراین وقت آن رسیده است که بر آن غور بیشتر بعمل آید و سعی جمیل بکار رود تا برای مردم افغانستان یک محیط اجتماعی و سیاسی مناسبتر و مترقی تر ایجاد شود که در آن سیر تکامل جامعه و افراد این وطن در شرایط موافق با عصر و زمان و مطابق تعینات مردم امکان پذیر باشد.

خوشبختانه این اهداف ما را دین اسلام تائید میکند و از سوی دیگر سنن و روایات باستانی و ملی ما هم مؤید آن است.

برای تثبیت هدفهای مهم و نقاط برجسته چنین تحول با همکاران خود تبادل افکار نمودیم و پس از مباحثات زیاد،

طولانی و مجالس متعدد به این نظر رسیدیم که بایست به توکل خدای بزرگ با نیت نیک و با حوصله فراخ این نهضت طوری براه انداخته شود که بالتدریج به صورت ارتقائی به مدارج عالی تر منتج و منتهی گردد و نتایج مفید و مثبت از آن بدست آید.

اجرای این مرام و پیشبرد این نهضت طوری پیشبینی شده است که در ذیل بعرض میرسد:

قانون اساسی افغانستان که در وقت و زمان دیگر و شرایط و ایجابات جداگانه ترتیب و تدوین شده است، باید تجدید گردد، نقاط اهم و هدفهای برجسته این قانون که پیشبینی میشود، چنین است:

رژیم شاهی مشروطه و طرز حکومت پارلمانی و دیموکراسی خواهد بود. حقوق جلیله پادشاهی در آن تثبیت خواهد شد. پادشاه نشانه وحدت و سلطه ملی و شیرازه تمام مملکت است. پادشاه

بالا تر از قوای سه گانه قرار دارد. پادشاه به صفت فرد اول کشور غیرمسئول شناخته میشود.

قانون اساسی تصریح خواهد کرد که اعضای خانواده سلطنتی کدام اند و چه حقوق و مزایا دارند، آزادی های فردی و حقوق شخصی درین قانون اساسی تثبیت خواهد شد.

در قانون اساسی جدید بوجود آمدن دو حزب پیشبینی خواهد شد که در سیستم پارلمانی دو حزب فعالیت خواهد کرد و برای اشغال کرسی های شورا جد و جهد خواهند نمود، حزب اکثریت را پادشاه به تشکیل حکومت مامور خواهد ساخت. قانون اساسی جدید تثبیت خواهد کرد که دولت عبارت از قوای سه گانه تقنینیه، قضائیه و اجرائیه می باشد.

قوای تقنینیه از جرگه شورایی است که نمایندگان آن از اعضای حزب تثبیت شده از حوزه های معینه انتخابی خواهند آمد. قوه قضائیه متشکل از محاکم ثالثه: ابتدائیه، مرافعه و تمیز است، که بکلی از تأثیر و اعمال نفوذ قوه اجرائیه محفوظ و مصئون خواهد بود.

قانون انتخابات طبق شرایط یک نظام پارلمانی دیموکراسی ترتیب خواهد شد.

در صورتیکه اساس تجدید نظر قانون اساسی منظور شود و تصمیم برای تدوین آن گرفته شود، اقدامات ذیل به عمل آید:

الف - نشر یک ابلاغیه از طرف دولت که آغاز این تحول را با پروگرام آن به اطلاع عامه برساند.

ب - یک عده علما و متخصصین برای تثبیت و تدوین مسوده قانون اساسی مؤظف خواهد شد که مسوده متذکره را در مدت 12 ماه ترتیب نماید.

ت - بعد از تهیه مسوده، لویه جرگه دعوت شود که به حیث مجلس مؤسسان، قانون مذکور را تدقیق و تصویب نماید.

ث - بعد از تصویب قانون اساسی از طرف لویه جرگه، حکومت فعالیت حزبی را سهولت خواهد بخشید تا نمایندگان خود را از راه مرام حزبی به شورای ملی بفرستند. برای اینکه این فعالیت صورت بگیرد، حد اکثر شش ماه فرصت داده خواهد شد.

ج - در چنین سیستمی که آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماع و فعالیت سیاسی بیشتر شود و رونق زندگی گرم تر میگردد، حکومت سرپرست و حکومت‌های مابعد دیگر برای حفظ امنیت و حفظ مصالح ملی به توجه و مراقبت جدی تر و مسئولیت بیشتر مواجه خواهد شد. لذا در خلال مدتی که قانون اساسی تدوین میشود، مسوده این قانون نیز تهیه میگردد.

این است مفکور و پیشنهاد ما یعنی من و رفقایم که فوقاً بحضور شما رسانیده شد.

اعلیحضرتا!

دراخیر میخواهم عقیده شخصی خود را به عرض حضور شما برسانم. باید بدانیم که این اقدام تحولی بزرگی است و هر قدم

بزرگ مخصوصاً در مملکت ما شک نیست که مشکلات بزرگ هم دارد ، اما گذشتن از مشکلات و رسیدن بمنزل مقصود در صورتی ممکن است که انسانها اولاً به آن مفکوره عقیده کامل داشته مشکلات و خطرات آنرا به تمام معنی قبول کرده باشند. پس از آن در تطبیق و عملی ساختن آن باعزم راسخ، خودگذری، صمیمیت و حسن نیت کامل به توکل خدای بزرگ بکوشند و بیاری خدای متعال پیش بروند.

درخاتمه صحت، موفقیت و سعادت دارین اعلیحضرت شما را از درگاه خالق بی نیاز تمنا دارم. با احترام فایقه.³
(پایان نامه دوم)

³ __ نامه های سردار محمد داود به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ، داکتر سید عبدالله کاظم ، پورتال افغان جرمن آنلاین

استعفای محمد داود خان :

با گذشت بیش از یک ماه از فرستادن نامه دوم محمد داود خان هیچ پاسخی از پادشاه دریافت نکرد بنابراین او نامه سوم یعنی استعفای خویش را برای پادشاه فرستاد ، پادشاه با استعفا نامه محمد داود خان موافقت کرد :

متن استعفای سردار محمد داود خان از وظیفه صدارت

مورخ ۱۱ حوت ۱۳۴۱ شمسی (۲ فیبروری ۱۹۶۳)

حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان :

نه سال قبل ماه میزان بود که اعلیحضرت شما اعتماد فرموده وظیفه صدارت عظمی را به اینجانب تفویض نمودید ، در همان وقت اگر بیاد حضور شما باشد عرض کردم که ممکن اعظمی الی سه سال بتوانم این وظیفه سنگین را ایفا نمایم .

در ظرف این مدت واقعاتی بمیان آمد که مجبوراً دوام بوظیفه را ایجاب میکرد مخصوصاً شروع و تکمیل پلان پنجساله اول که همه ما اخلاقاً خود را در اجرای آن مقابل مردم افغانستان مؤظف

میدانیم' بیشتر سبب شد که مدت طولانی تری از آنچه لازم بود' تخمین کرده بودم' به این وظیفه بمانم .

پلان پنجساله انکشافی مملکت ما با تمام نارسایی ها و مشکلاتی که در بر داشت تا جایی که استعداد شخصی' قدرت مالی مملکت و سیاست داخلی و خارجی افغانستان اجازه میداد و ایجاب میکرد حتی المقدور کوشش بعمل آمد تا فیصدی بیشتر آنچه در پلان پیشبینی شده بود به پایه تکمیل برسد و خداوند بزرگ را شکر گذارم که آن پلان به همکاری صمیمانه مردم نجیب افغانستان و مساعی و زحمتکشی مامورین مؤظف یک و نیم سال قبل به پایان رسید.

پلان دوم طرح و از ده ماه باین طرف کار آن آغاز گردیده که امید وارم باز هم به همکاری نزدیک دولت و ملت و به خیر و سعادت ملت افغان موفقانه انجام گیرد و افغانستان عزیز را یکقدم دیگر به سوی پیشرفت و انکشاف مادی و معنوی که آرزو و تمنیات هر فرد و طندوست است' نزدیکتر سازد.

اعلیحضرتا!

بعقیده من از خدمت با صداقت مملکت و خدمت خلق مقدس تر چیزی نیست' و اگر حیات برای یک انسان ارزشی دارد

باز هم ارزش و قیمت حقیقی آن در همین است و بس. این عقیده' مخصوصا در پست های حساس و پر مسئولیت' تا زمانی ارزش دارد که اشخاص بتوانند طور شایسته وظایف و مسئولیتهای اداری و وجدانی خود را انجام دهند' ولی همینکه یک شخص بفهمد و

حس کند که نظر به معاذیری دیگر قدرت ایفای وظیفه را ندارد و باز هم بوظیفه دوام بدهد' بعقیده من گناه است. امروز نظر به فردا معاذیری که حضور شما خوبتر هر کدام آنرا میدانید و از سالیان دراز هیچکدام آنرا از شما پوشیده نگذاشته ام حس میکنم که بیش ازین دوام بوظیفه چه از نقطه نظر طرز تفکر و چه نظر بوضع صحنی بسیار دشوار است.

نظریات و پیشنهادات آخرین خود و بعضی از رفقای کابینه را در مورد غور بر ترمیم قانون اساسی مملکت و ایجاد تحولی در وضع اجتماعی مردم افغانستان برای یک آینده پا برجای دیموکراسی در وطن ما به تاریخ ۲۴ جدی بحضور شما تقدیم نمودم. ۴۷ روز از آن گذشت تا حال کدام جوابی نیست و منظور از گرفتن آن هم نیست بلکه یگانه مقصد این است که آن چیزی را که به حضور شما پیشنهاد نموده بودم از صمیم قلب و به عقیده ما قدم بزرگ و مفیدی برای خیر و سعادت آینده ملت افغانستان و موفقیت تاریخی دوره سلطنت شما بود که رشد اجتماعی ملت افغانستان و ایجابات عصر و زمان حتما پس از تجارب چندین ساله در خدمت این مملکت و با آنهمه حقایق اوضاع مملکت چنین تحولی را آوردنیست.

باز هم اگر چوکی صدارت عظمی را غنیمت شمرده به این وظیفه دوام بدهم' نه تنها از اعتماد شما سوء استفاده کرده بلکه بر خلاف اصلهای عقیدوی و هدف زندگی خود رفتار کرده خواهم بود.

لذا باکمال احترام از اعتمادی که در تمام دوره های ماموریت بمن فرموده اید از صمیم قلب اظهار شکران و سپاسگذاری نموده

توسط این نامه استعفای خویش را به حضور اعلیحضرت شما
تقدیم میدارم. سعادت و تعالی وطن عزیز و موفقیت
اعلیحضرت شما را در راه خدمت افغانستان از درگاه خالق بی
نیاز تمنی دارم.
بااحترام فایقه 4

⁴ _ نامه های سردار محمد داود به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ، داکتر سید عبدالله کاظم ، پورتال افغان جرمن آنلاین

داود خان و اندیشه کودتا :

تداوم وضعیت نابسامان کشور و فقر و مشکلات مردم محمد داود خان را به این نتیجه رساند که نظام سلطنتی نمیتواند خواسته های مردم را برآورده کند و از بار مشکلات آنها بکاهد ، عشق محمد داود خان نسبت به کشور و مردمش او را بر آن داشت که با به جان خریدن هر خطری نظام را تغییر دهد ، محترم حسن شرق ، دوست نزدیک محمد داود خان و فرد دوم انقلاب در اینمورد مینویسد :

مردم علاقه مند به کشور و بی علاقه به معامله گری های سیاسی به صورت روزافزون به دیدار محمد داود میشتافتند . . . محمد داود از تجارب گذشته و مشاهدات موجود و گفت و شنید با مردم به این نتیجه رسیده بودند که گوشه گیری و بی تفاوت بودن در مقابل خواسته های مردم کار انسان های متعهد به مردم خویش نیست ، ولی برای اینکه بیشتر و از نزدیک تر به خواست های مردم پی برده بتوانم میخوام سفری به اطراف و اکناف کشور داشته باشم .

دو هفته بعد ایشان با دربور (راننده) و دو خانه سامان خویش عازم سفر شدند و از ولایات پروان ، بامیان ، کندز ، بغلان ، بلخ ، جوزجان ، میمنه ، بادغیس ، هرات ، فراه ، هلمند ، کندهار ، قلات ، غزنی ، میدان و لوگر دیدن میکنند .

واقعا علاقه مندی مردم به او و آرزوی مردم از او بود که او را واداشت تا در راه خدمت به مردم خویش گوشه گیری و آرام زیستن را زیرپا کنند .

محمد داود بعد از سفر خویش ، سنبله ۱۳۴۹ روزی برادرانه به من فرمودند :

از نتیجه گیری چندین ساله افغانستان به این عقیده رسیده ام که با این شرایط و این نظام مردم افغانستان را نمیتوان از عقب ماندگی های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و کش مکش های خاندانی که ملت را به جان رسانیده نجات بخشید ، باور دارم تا روزی که مردم در تعیین زعامت کشور خویش حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را نداشته باشند ناممکن است که بتوانند خود را از بدبختی های موجود نجات دهند .⁵

⁵ _تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان، دکتر محمد حسن شرق، ص ۱۲۹ و ۱۳۰

چگونگی شکل گیری نیروی انقلابی :

محمد داود خان در فصل پائیز سال ۱۳۴۹ یعنی سالها قبل از ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ طرح کودتا را ریخته بود .
به مرور زمان چند نفری هم به او پیوستند ، اولین گروه جمهوری خواهان از افراد زیر تشکیل شده بود :

محمد داود خان

داکتر حسن شرق

غلام حیدر عدالت

باز محمد خان منگل

دگروال امان الله حیدری

داکتر سهیل

اما سرنوشت ناگواری در انتظار جمهوری خواهان بود ، غلام حیدرخان عدالت وزیر سابق زراعت مدتی پس از پیوستن به جمهوری خواهان دارفانی را وداع گفت ، گفته میشود که در شفاخانه به وی ماده کشنده ای تزریق شده بود ، دگروال امان الله حیدری پس از قبول شرکت در کودتا بر اثر وقوع تصادف برنامه ریزی شده در راه جلال آباد همراه با پسر جوانش به شهادت رسید

، خود محمد داود خان هم در همان مسیر تصادف کرد اما جان سالم به در برد ، در سال ۱۳۵۱ نقشه ترور باز محمد خان منگل توسط خواهرزاده غلام حیدر خان رسولی کشف و به اطلاع محمد داود خان میرسد و در نتیجه از وقوع آن جلوگیری میشود ، باز محمد خان نقش مهمی در انقلاب داشت و به همین خاطر سرگروپ ها او را کلید انقلاب مینامیدند .⁶

با وجود تمام این اتفاقات محمد داود خان و یارانش ناامید نشدند و به مرور زمان تشکیلات مخفی را به وجود آوردند .

جمهوری خواهان به دستور محمد داود خان و با تلاش های بی شائبه داکتر محمد حسن شرق در ابتدا یک شبکه اطلاعاتی را ایجاد کردند .

پس از کامل شدن شبکه اطلاعاتی جلب و جذب نیروهای قطعات تانک آغاز شد ، طبق دستور محمد داود خان هر کدام از اعضا میبایست ۳ نفر دیگر را جذب کنند و اکیدا توصیه شده بود که کسانی که جذب میشوند به هیچ عنوان نباید عضو احزاب دیگر باشند .⁷

با پیشرفت کار اعضا گروه بندی و سرگروپ ها هم تعیین شدند:

لیست اعضای رهبری و سرگروپ ها :

رهبر : محمد داود خان

⁶ گفتگوی نویسنده با محمد قاسم باز

⁷ کرباس پوشهای برهنه پا ، داکتر محمد حسن شرق ، ص ۹۲ و ۹۳

معاون رهبر : محمد حسن شرق
باز محمد خان منگل

سرگروپ های قطعات تانک :

۱_ غلام حیدر رسولی

۲_ محمد سرور نورستانی

۳_ مولاداد

۴_ محمد یوسف

قوای هوایی :

۱_ پادشاه گل وفادار (پاچاگل وفادار)

۲_ عبدالحمید محتاط

اعضای رابط میان سرگروپ ها :

۱_ سید عبداللہ

۲_ عبدالقدیر

۳_ غوث الدین فایق

آزمایش کودتاجیان :

انقلابیون دو و یا سه بار مورد آزمایش قرار گرفتند و ثابت کردند که میتوانند خودشان را در وقت تعیین شده و بدون اتلاف وقت به مراکزشان برسانند .

قرار بود کودتا ساعت یک شب یازده سرطان انجام بشود اما بخاطر اتفاق پیشبینی نشده به تعویق افتاد ، در حالی که همه نیروهای انقلاب در حالت آماده باش به سر میبردند خبر رسید که یک لوا از قرغه به بالاحصار می آید ، بنابراین کودتا منتفی و به وقت دیگری موکول شد .⁸

پس از آن روز ۲۵ سرطان شهید محمد داود خان تصمیم گرفت که کودتا شب ۲۶ سنبله انجام بشود .

محل فرماندهی انقلاب خانه محمد داود خان بود .

⁸ _تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان ، دکتر محمد حسن شرق ، ص ۱۶۱

صدور فرمان حرکت :

شب کودتا به فرمان محمد داود خان کودتاچیان موظف شدند که دستگاه مخابره ای را به خانه او بیاورند ، به گفته شهید باز محمد منگل یاور شهید محمد داود خان که در شب ۲۶ سرطان همراه داودخان بود شب هنگام پاچاگل وفادار و دو نفر از صاحب منصبان دستگاه مخابره را آوردند ، آنها مخابره را در تراس منزل داودخان گذاشتند و انرا به مشکل روشن کردند ، پیش از آنکه داودخان فرمان حرکت و شروع انقلاب را صادر کند ، خطاب به حاضران گفت دستهای تان را به درگاه خداوند بطور التجا بالا {بلند} کنید و چیزی که من میگویم شما امین بگوئید.

همه دستهای خود را بلند کردند و محمد داود خان شروع به دعا کرد و به خدای خود گفت. « ای خداوند پاک ، ما امشب کاری را که فکر میکنیم بخاطر سعادت وطن خود انجام میدهیم، اگر در این کار ما خیر ملت باشد ما را پیروز بساز و اگر خیر ملت نباشد و باعث کشتار مردم شود به بزرگی ات ما را توان مده که باعث کشت و کشتار مردم شویم »

همه آمین گفتند و بعد از آن مرحوم داود خان به تمام سرگروپ ها امر حرکت داد ، ساعت یک و نیم شب ۲۶ سرطان بود که فرمان حرکت صادر شد .

شب کودتا :

پس از آنکه شهید محمد داود خان فرمان حرکت را صادر کرد پاچاگل و افرادش از خانه خارج شدند ، در این هنگام محمد داودخان به یاورش بازمحمد خان منگل گفت : بازمحمدخان اگر کودتا ناکام شد و من نتوانستم کاری انجام بدهم با اسلحه ای که داری من را از بین ببر .

شهید بازمحمد خان جواب داد : من نمیتوانم این کار انجام بدهم محمد داود خان گفت : اولین خواهش من در تمام عمر همین است داود خان همین دستور را به داکتر محمد حسن شرف هم داده بود در آن شب سرنوشت ساز ، محمد داود خان فرماندهی عملیات کودتا را به عهده داشت و با کودتاجیان به وسیله دستگاه مخابره در ارتباط بود ، از آنجایی که خانه شهید محمد داود خان به ارگ سلطنتی متصل بود بازمحمد خان به ایشان هشدار داد که ممکن است سربازان گارد سلطنتی متوجه صحبت های ایشان بشوند ، محمد داود خان و بازمحمد با زحمت زیاد مخابره را به داخل خانه منتقل میکنند و در اثنای انتقال فراکانس های مخابره به هم میخورد ارتباط با نیروها قطع میشود ، محمد داود خان به بازمحمد خان دستور میدهد که خالد پسر ایشان را از خواب بیدار کند و از او بخواهد که زود بیاید بازمحمد خان به سرعت به اطاق خالد رفت و او را از خواب بیدار کرد ، خالد با عجله به پیش پدر آمد او در جریان کودتا نبود و وقتی پدرش را در کنار مخابره دید متعجب

شد ، محمد داود خان همینقدر به او گفت که فرکانس ها خراب شده است آنها را درست کن .

خالد شهید با زحمت بسیار موفق شد مخابره را فعال کند .

دستگیری عبدالولی خان :

با صادر شدن فرمان آغاز انقلاب از سوی رهبر انقلاب ، انقلابیون به سوی اهداف از قبل معین شده حرکت کردند ، رادیو افغانستان و دستگاه مخابرات باید تسخیر و مقامات بلندپایه سلطنتی مانند سردار عبدالولی دستگیر میشدند .

احمد ضیا مجید و محافظان خانه سردار عبدالولی اطمینان داده بودند که میتوانند او را دستگیر کنند باوجود آن یک بلوک از قطعه کوماندو و یک زنجیر تانک از قطعه حبیب الله شهید و چند صاحب منصب احتیاط هم گماشته شده بودند تا در صورت لزوم به مسئولان دستگیری سردار کمک کنند ، محمد داود خان فرماندهی عملیات دستگیری عبدالولی خان را به غلام حیدر رسولی سپرده بود .⁹

سردار سلاح و مهماتی زیادی در اختیار داشت و شخصا انسان شجاعی بود پیشبینی میشد که به آسانی تسلیم نشود و تلفاتی هم به انقلابیون وارد کند .

انقلابیون خانه سردار عبدالولی را محاصره کرده و از او خواستند تسلیم شود ، سردار اعتنایی نکرد و پس از آن که به دستور رسولی تانک انقلابیون به طرف دیوار خانه سردار شلیک کرد و کوماندوها هم اطراف خانه را زیر رگبار ماشیندارها قرار دادند سردار اسلحه اش را تحویل داد و تسلیم شد .¹⁰

⁹ _ تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان ، دکتر محمد حسن شرق ، ص ۱۶۱

¹⁰ _ همان منبع ، ص ۱۶۶

مقاومت در برابر انقلاب :

به استثنای ملکه حمیرا و شاهزاده احمدشاه بقیه مقامات نظام سلطنتی نتوانستند مقاومت چندانی در برابر جمهوری خواهان نشان بدهند ، شاهزاده احمدشاه تا آخرین مرمی در برابر انقلاب مقاومت کرد ، اما مهمات او کم بود و پس از پایان مهماتش دستگیر شد .

ملکه حمیرا هم حاضر نشد به آسانی تسلیم شود ، فرمان داد درهای حرمسرا را ببندند ، افسران و سربازان محافظ حرمسرا هم دستور ملکه را پذیرفتند ، درها بسته شد و محافظان ملکه برای هشدار دادن به انقلابیون به شلیک هوایی مبادرت کردند .

محمد داود خان تیمورشاه برادر ملکه را به حرمسرا فرستاد تا ملکه را راضی کند که از مقاومت دست بردارد ، ملکه درخواست برادرش را پذیرفت و به این ترتیب آخرین مقاومت هم شکسته شد

تلفات انقلاب :

خوشبختانه انقلاب سفید تلفات کمی به همراه داشت ، تعداد کسانی که در انقلاب سفید جان شان را از دست دادند سه الی ده نفر تخمین زده اند .

برای سقوط سلسله رومانف روسیه دوبار انقلاب شد و فقط در انقلاب و پسا انقلاب ۱۹۰۵ روسیه حدود ۱۴۰۰۰ نفر کشته و ۷۰ هزار نفر زندانی شدند .

کشته شدگان انقلاب لیبی بر علیه معمر قذافی رهبر انقلاب و دیکتاتور آن کشور را تا ۱۷۰ هزار نفر نوشته اند .

سقوط سلطنت محمد رضا شاه دومین و آخرین شاه سلسله پهلوی با صدها الی هزاران نفر کشته و زخمی همراه بود .

انقلاب سفید محمد داود خان تلفات انگشت شماری داشت که اگر بی نظیر نباشد کم نظیر است ، این نکته را هم باید در نظر بگیریم که چند تن از کودتاچیان در یک حادثه جان شان را از دست دادند

حبیب الله زرمتمی اولین افسری بود که جانش را بر سر سقوط سلطنت و بنیان گذاری جمهوریت گذاشت ، او در پیروزی کودتا دلاوری های زیادی نشان داده بود و در دستگیری عبدالولی خان نقش مهمی داشت ، تانک حبیب الله شهید و افرادش با موتری که زن و شوهر و کودکانشان سرنشین آن بودند مواجه شدند ، انقلابیون دو راه داشتند ، یا از روی موتر بگذرند که طبعاً سرنشینان آن جان سالم به در نمیبردند و یا اینکه خودشان را به

دریا بیندازند آنها راه دوم را برگزیدند و حبیب الله و دو تن از
افرادش پس از سقوط در دریا به شهادت رسیدند.¹¹
در جریان وقوع انقلاب و بعد از آن به اموال عمومی دست
درازی نشد و آسیبی نرسید.

¹¹ _ تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان ، محترم داکتر محمد حسن شرق ، ص ۱۷۳

انقلاب پیروز میشود :

جمهوری خواهان موفق شدند که اهداف از قبل تعیین شده را تصرف کنند و پس از دستگیری مقامات بلندرتبه نظام سلطنتی مانند سردار عبدالولی و شاهزاده احمدشاه و همچنان تسلیم شدن ملکه ، انقلاب پیروز شد .

حدود هفت و سی دقیقه صبح روز ۲۶ سنبله ، مردم افغانستان صدای محمد داود خان را از رادیو شنیدند که با خواندن اعلامیه نظام جمهوری مزده سقوط سلطنت و آغاز جمهوریت را به آنان میداد .

اعلامیه نظام جمهوری :

صبح هفدهم جولای سال ۱۹۷۳

خواهران و برادران عزیز سلام!

بنده در طول مدت مسؤلیت های مختلف در خدمت وطن همیشه در جستجوی هدفی بودم که برای مردم افغانستان مخصوصاً طبقه محروم و نسل جوان مملکت ما يك محیط مثبت و واقعی نشو و نمای مادی و معنوی میسر گردد و در آن همه افراد وطن ما بدون تبعیض و امتیاز در راه تعالی و عمران وطن خود سهم گرفته و احساس مسؤلیت نمایند.

مدت ها سپری شد و مساعی زیادی بعمل آمد تا عواملی را که نظربه تجارب به شکل های مختلف مانع رسیدن به چنین هدفی می شدند تدریجا از بین برداریم و مخصوصا در مملکت امنیت قابل اعتباری قایم سازیم که تحول مثبت اقتصادی و اجتماعی را بصورت سالم اجازه بدهد. به نسل جوان احساس مصونیت بخشد و از نشو و نمای خرافی و ارتجاعی جلوگیری نماید. پس از طی این مراحل دیگر علتی سراغ نداشتیم که در وطن ما صفحه جدیدی بغرض رسیدن به هدف فوق بازنگردد.

من برای سعادت وطن خود جز قایم ساختن یک دیموکراسی واقعی و معقول که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان

برقرار باشد' راه دیگری سراغ نداشتیم و ندارم. بنظر بنده تهداب اصلی چنین یک وضع اجتماعی تأمین کامل حقوق مردم و اعتراف کامل به اصل حاکمیت ملی است که باید به دو اصل فوق ظاهرو یا پوشیده خلی وارد نشود.

این آرزوی مقدسی بود که مرا وادار ساخت' ده سال قبل من و رفقایم پیشنهاد آخرین خود را به حضور شاه سابق پیش و تطبیق آنرا برای خیر و سعادت ملت تمنا کنیم ، آن آرزوی مقدس چرا به این بی سر و سامانی مملکت منجر گردید و چرا آن رفقای ضعیف النفس از اصل هدف منصرف و راه خطا را تعقیب کردند' داستانی است بس طولانی که تفصیل آن درین فرصت کوتاه گنجایش ندارد و در فرصت مساعد البته به اطلاع هموطنان عزیز رسانیده خواهد شد.

به هر صورت نتیجه آن شد آن امید های دیرینه و آن آرزوهای نیک به دیموکراسی قلبی که ابتدا تهداب آن بر عقده' منافع شخصی' طبقاتی و بر تقلب و دسایس' بر دروغ' ریا و مردم فریبی استوار گردیده بود' مبدل گردید. اما تمام این تبلیغات دروغین در ظرف همین ده سال نتوانست حقایق تلخ را که عبارت از انحطاط و ورشکستگی مطلق وضع اقتصادی' وضع اداری' وضع اجتماعی و سیاسی مملکت باشد' از انظار ملت افغانستان و دنیای خارج بپوشاند ، خلاصه دیموکراسی یعنی حکومت مردم به یک انارشیزم و رژیم سلطنت مشروطه به یک رژیم مطلق العنان مبدل شده و هرکدام ازین قدرتها به جان هم دیگر و بجان مردم افتادند

و پیروی از فورمول تفرقه انداز و حکمرانی کن' آتشی را در سرتاسر مملکت افروختند تا بتوانند در سایه این فضای ملوث و تیره و تار از بدبختی و فقر و فلاکت مقاصد شوم مادی و ممکن سیاسی خود را حاصل نمایند.

وطن دوستان در گوشه و کنار مملکت که بودند این حالت رقت بار وطن خود را با یک دنیا تأسف و تألم نگاه میکردند و به امید آنکه امروز و فردا این دستگاه فاسد و فرسوده بالاخره از وضع بد بخت ملت مطلع و به اصلاح خود خواهد کوشید' انتهای صبر و تحمل را بخرج دادند اما نتیجه ثابت ساخت که این امید بکلی بی جا و رژییم و دستگاه دولت بحدی فاسد گردیده که دیگر امید و انتظاری برای اصلاح آن باقی نماند. لذا همه وطن دوستان و خصوصا اردوی افغانستان تصمیم گرفت که دیگر به این نظام فاسد خاتمه داده شده و وطن ازین ورطه بد بختی نجات یابد.

هموطنان عزیز!

باید به اطلاع شما برسانم که دیگر این نظام ازبین رفت و نظام جدیدی که عبارت از نظام جمهوریت است و با روحیه اسلام موافق است' جا گزین آن گردید. من از صمیم قلب این اولین جمهوریت افغانستان عزیز را بشما تبریک میگویم و آنرا برای سعادت و سرفرازی افغانستان عزیز و ملت افغانستان مسعود و میمون میخواهم. اردوی فداکار افغانستان به هر کجا و گوشه و کنار مملکت که هستید' این موفقیت را به همه تان تبریک میگویم. یقین دارم همچنان به وظایف خود که عبارت از تأمین امنیت و حفظ حاکمیت ملی افغانستان است مواظب خواهید بود.

نظام نوین طبعا باخود ریفورم های بنیادی دارد که تفصیل آن درین فرصت کوتاه ممکن نیست و در آینده نزدیک به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید.

سیاست خارجی افغانستان به اساس بیطرفی ، عدم انسلاک در پیمانهای نظامی و قضاوت آزاد خود مردم افغانستان استوار خواهد بود. سیاست بین المللی افغانستان بر اساس تمنیات ملی کشور برای حیات مادی و معنوی مردم ما مطرح گردیده است.

از روی مساعی و آرزو های ملی ما بطور واضح معلوم میشود که برآوردن تمنیات ما بیشتر از همه به صلح جهان نیازمند است. هیچ کشور جز در پرتو صلح گیتی نمیتواند در آرزو های ملی خود موفق شود.

چون ما بیشتر از همه کس خود را نیازمند سعی در راه انکشاف مملکت خود میدانیم' بیشتر از همه کس خواهان صلح و سلم جهان هستیم' ازین رو پایه نخستین سیاست افغانستان صلح خواهی و دوستی با همه مردم و ملل جهان است.

درین آرزو از هیچگونه تبعیض در مورد هیچ کشور یا مردم' چه خورد و یا چه بزرگ' چه دور و یا چه نزدیک' در نزد ما وجود ندارد.

این اراده مستقل از تمنیات مردم افغانستان سرچشمه میگیرد. عنصری که سیاست بیطرفانه عنعنوی افغانستان را امتیاز میبخشد' صداقت و صمیمیت آشکار آن است که از استقلال اراده ملی مردم

افغانستان نمایندگی میکند.

به این اساس روابط مودت افغانستان را با دول متحابه بر پایه تزلزل ناپذیر استوار نگاه داشته و در توسیع و تشدید مزید آن از طریق دیپلو ماسی، تماسهای شخصی، ایجاد و جلب همکاری بین المللی، سعی بعمل خواهد آمد و آرزوی ما این است که از آن نتایج مثبت و عملی گرفته شود. این نظام اساسات منشور ملل متحد را که هدف آن سعادت و آرامش دنیای بشری است، ملحوظ و محترم میشمارد.

در مورد روابط ما با پاکستان که یگانه کشوری است که روی قضیه پشتونستان با آن اختلاف سیاسی داریم و تا کنون بحل آن موفق نگردیده ایم، سعی دایمی ما برای یافتن راه حل قضیه پشتونستان دوام خواهد کرد.

در خاتمه یک بار دیگر این موفقیت بزرگ ملی را به همه هموطنان عزیز خویش تبریک گفته و از همه وطن پرستان، خاصه اردوی فدا کار افغانستان که از هیچگونه سعی و کوشش مقدور و خالصانه دریغ ننموده اند، از صمیم قلب اظهار تشکر و امتنان خود را تقدیم میکنم. چون سعی و آرزوی ما نمی تواند نقطه انجام داشته باشد، دوام این همکاری از طرف همه افراد، طبقه جوان کشور از تمنیات قلبی همه ما است که بدریافت آن امید قوی دارم.

زنده باد افغانستان

پاینده باد جمهوریت¹²

¹² رساله ۲۶ سرطان، محترم انجینر کریم عطایی، پورتال افغان جرمن آنلاین ص ۱۰ الی ۱۲

واکنش مردم افغانستان به نظام جدید جمهوری :

مردم افغانستان با شور و هیجان زیادی از نظام جدید جمهوری استقبال کردند ، تانک ها و زرهپوش های انقلابیون گل باران شدند ، همه جا را شادی و سرور گرفته بود و مردم آینده درخشانی را به هم نوید میدادند ، ده ها هزار تن از جوانان در کوچه ها پای کوبی میکردند .

واکنش های جهانی نسبت به انقلاب افغانستان :

اتحاد شوروی اولین کشوری بود که دولت جدید افغانستان را با رسمیت شناخت ، کم کم نوبت به کشورهای دیگر هم رسید .

انقلاب سفید مصادف بود با آخرین سالهای سلطنت محمدرضا شاه پهلوی ، محمدرضا فرزند رضاشاه دومین و آخرین شاه سلسله پهلوی بود ، محمدرضا به عنوان یک شاه طبعاً نمیتوانست نظر مساعدی نسبت به نظام جمهوری افغانستان داشته باشد ، به خصوص آنکه سلطه کمونیسم روز به روز افزایش میافت و محمدرضا از جانب کمونیست های نفوذی در قوای مسلح افغانستان احساس خطر میکرد .

اسدالله علم وزیر دربار و مشاور محمدرضا بیش از شاه با جمهوریت مخالف بود ، به حدی که در خاطراتش از روز انقلاب به عنوان روز سیاه نام میبرد . (ص ۴۸۰)

پس از تثبیت شدن جمهوریت علم بطور خسته گی ناپذیر میکوشید تا موافقت محمد رضا شاه را برای یک شورش در جنوب افغانستان جلب کند اما موفق نمیشود ، شاه به او میگوید که پادشاه (محمد ظاهر) جریزه (جسارت) این کار را ندارد!!! شنیدن این حرف از زبان کسی مثل محمد رضا شاه مضحک است ، در واقع محمد رضا شاه برای گرفتن تصمیم های مهم شدیداً به دیگران وابسته بود و سلطنتش را بخاطر همین عدم توانایی برای تصمیم گیری از دست داد .

علم از تمام افسران و منسوبان اردوی افغانستان با جمله شستشوی مغزی شده یاد میکند در حالی که اکثر افسران قوای مسلح با وجود آنکه در روسیه تحصیل کرده بودند هیچ گرایشی به کمونیسم نداشتند . (ص ۴۸۱)

علم از شورش در جنوب افغانستان سخن میگوید و با توجه به تأکیدی که در این باره میکند مطمئناً علم از ناحیه شخص و یا اشخاصی در جنوب افغانستان مطمئن بوده است و گرنه بعید به نظر میرسد که شخصی مانند علم چیزی را بگوید که مطمئن نیست بتواند آن را انجام بدهد ، علم در گفتگو با محمد رضا چندین بار و هر بار به نحوی دیگر موضوع شورش را مطرح میکند .

موضوع دیگر اینکه گزارش های ساواک گنگ و نامعتبر بوده اند مانند کشته شدن شاه ولی خان ، و این یعنی ساواک نتوانسته بود به مقام های بلند رتبه و مسئولان کلیدی نفوذ کند .

محمد داود به عنوان یکی از مخالفان سرکوب اقوام پشتون و بلوچ آنسوی دیورند یکی از چهره های بزرگ مخالف پاکستان به شمار میرفت بخاطر تنش های محمد داود خان و پاکستان بر سر مسئله پشتونستان روابط افغانستان و پاکستان به شدت تیره شد و

این تنش ها ابتدا به درگیری های مرزی رسید و مدتی بعد فرمان آماده باش کامل برای یک جنگ احتمالی صادر شد .

رهبران پاکستان که از انزوای طولانی محمد داود خان رضایت کامل داشتند با کمال تاسف بازگشت مجدد او را به صحنه میدیدند

ایران و پاکستان در آن زمان روابط نزدیکی داشتند زیرا ایران در دوران سلطنت محمدرضا شاه از بزرگترین حامیان پاکستان به شمار میرفت ، محمدرضا شاه با دادن وام و فروش نفت ارزان به پاکستان نقش مهمی در سر پا نگه داشتن این کشور ایفا میکرد .

از عوامل دیگر این نزدیکی میتوان به بیم مشترک از پیشروی کمونیسم و همچنان ترس از فراگیر شدن جنبش بلوچی اشاره کرد . 13

جنبش بلوچی مشکل بزرگی بود و ایران و پاکستان به شدت با آن درگیر بودند ، اعضای این جنبش از طرف پاکستان به شدت سرکوب میشدند اما با آن هم از داعیه آزادی خواهی شان دست بردار نبودند ، محمد رضا شاه هم که از نفوذ این ایدئولوژی به داخل مرزهای ایران و پیوستن بلوچ های ایران به این جنبش به شدت میترسید از تمام امکانات برای کمک به سرکوب این جنبش استفاده کرد ، هلیکوپترهای توپدار ایران با آرم ایران در حالی که خلبان های آنان یونیفرم نظامی ایران را به تن داشتند برای سرکوب بلوچ ها وارد پاکستان شدند . 14

عراق که مشکلاتی با ایران داشت تصمیم گرفت از این جنبش حمایت کند ، همانطور که قبلا از بختیار ، رئیس اسبق ساواک و دشمن جدید محمدرضاشاه حمایت میکرد ، عراق به آموزش نظامی بلوچ ها پرداخت و چندین واحد پارتیزان آموزش دیده از

13_ علم ، ص ۴۵۸

14_ همان منبع ، ص ۵۰۵

طریق خاک پاکستان وارد ایران شدند ، علم مامور سرکوب بلوچ ها شد و از تمام امکانات برای ترغیب بلوچ های دیگر بر علیه آنها و نابودی آنان استفاده کرد .¹⁵

سرکوب بی رحمانه بلوچ ها در پاکستان بالاخره کاسه صبر دولت جمهوری افغانستان را لبریز کرد ، به گفته علم دولت مردان افغانستان از طریق سفارت ایران به پاکستانی ها پیام فرستادند که افغانستان بیش از این چشم هایش را به روی وضع ناگوار بلوچ های ماورای دیورند نخواهد بست .¹⁶

رئیس جمهور داود از بزرگترین حامیان جنبش آزادی خواهی بلوچ ها به شمار میرفت ، او دوبار به سرمنشی ملل متحد نامه نوشت و از حقوق مردم بلوچ دفاع کرد .¹⁷

افغانستان و عراق از حامیان اصلی جنبش بلوچی بودند بخصوص افغانستان که پناهگاه مردم سرکوب شده بلوچ به شمار میرفت ، به گونه ای که صدها تن بلوچ به افغانستان پناهنده شدند .

محمد داود خان و صدام حسین رهبر عراق بزرگترین حامیان مبارزات ملت بلوچ بودند و در عین حال هر دو از مبارزه مردم فلسطین بر علیه اسرائیل حمایت میکردند .

¹⁵ _ گفتگوهای من با شاه ، اسدالله علم ، ص ۴۸۸ و ۴۹۹

¹⁶ _ همان منبع ، ص ۴۸۸

¹⁷ _ جایگاه داود خان در تاریخ نوین افغانستان ، محترم استاد اعظم سیستانی ، ص ۳۱۴

امریکا و جمهوری افغانستان :

چنانکه دیدیم نظام جدید جمهوری افغانستان به مزاج همسایه گان خوش نیامد ، اما بدبینی نسبت به انقلاب سفید افغانستان تنها مختص به ایران و پاکستان نبود

ایالات متحده امریکا هم از تاسیس جمهوریت به وسیله داود خان راضی نبود زیرا امریکایی ها ظاهرا نگران فاصله گرفتن افغانستان از سیاست بی طرفی فعال بودند ، اما در واقع این کار تظاهر احمقانه ای بیشتر نبود زیرا خود آنان یکی از عوامل مهم نزدیکی افغانستان و اتحاد شوروی بودند .

محمد داود خان در دوران صدارت عظمی نقشه های بزرگی برای افغانستان داشت ، میخواست کشورش را از یک کشور فقیر و عقب مانده به یک کشور خودکفا و متمدن مبدل کرده و برای دفاع از کشور در برابر حمله های احتمالی قوای مسلح را با سلاح های عصری تجهیز کند .

بنابر این به امریکا رو آورد اما ایالات متحده به او روی خوش نشان نداد و برای پذیرش درخواست های او شرط هایی گذاشت که اصلا برای او قابل قبول نبود :

۱_ دولت افغانستان قبل از تحویل گرفتن اسلحه پول آن را در یکی از بانک های افغانستان دیپازیت کند ، در حالی حکومت افغانستان پول کافی برای خرید آن اسلحه را نداشت.

۲- امریکا سلاح خریده شده را تا بندر کراچی میرساند. بعد از بندر کراچی مسایل انتقال ان بدوش حکومت افغانستان است . افغانستان در انوقت قدرت و وسایل انتقال ان سلاح را به افغانستان نداشت.

۳- امریکا لیست سلاح های خریده شده افغانستان را به حکومت پاکستان میدهد

۴_ از همه بدتر آن بود که افغانستان نمی توانست این اسلحه را بر علیه کشورهای عضو پیمان سنتو استفاده کند ، یعنی کشورهای پاکستان و ایران در حالی که محمد داودخان آن سلاح ها را برای جنگ احتمالی با این کشورها میخرید .

از شرایط ناپذیرفتنی امریکا ، عضویت در پیمان بغداد و سپس سنتو بود ، که با سیاست بی طرفی فعال افغانستان همخوانی نداشت و محمد داوود خان که یکی از رهبران و مدافعان پیمان عدم انسلاک بود نمیتوانست این درخواست را بپذیرد .

محمد داود خان پس از آنکه از ایالات متحده نا امید شد ناگزیر به شوروی روی آورد .

محمد داود خان گرایشی به اتحاد جماهیر شوروی نداشت و او به یک اندازه از ایدئولوژی های وارداتی متنفر بود ، هم از اندیشه های افراط گرایانه مصری اخوان المسلمین و هم از روسی محمد داود خان تنها و تنها به منافع ملی می اندیشید .

بارنت روبین دانشمند امریکایی میگوید :

ایالات متحده امریکا کودتای محمد داود را دخالت مستقیم شوروی در افغانستان تلقی نکرد

اما در آغاز نگران بود که این رویداد میتواند افغانستان را از سیاست بی طرفی متوازن آن در زمان ظاهرشاه و دموکراسی دهه ۱۹۶۰ دور سازد

به این علت امریکا از اقدامات شاه ایران در پیوند با ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر پاکستان جهت خارج ساختن افغانستان از وابستگی به اتحاد شوروی و کشاندن آن به سوی نوعی اتحاد منطقه ای با ایران و پاکستان حمایت کرد.¹⁸

¹⁸ _ افغانستان در قرن بیستم ، محترم ظاهر ظنین ، ص ۱۸۶

انقلاب سفید از دید امریکایی ها :

دو ماه پس از وقوع کودتای سرطان ، سفارت ایالات متحده در کابل گزارشی به وزارت خارجه امریکا فرستاد که به بخشی از آن نگاهی میندازیم :

متن مختصر گزارش:

۱۷ سپتمبر ۱۹۷۳

موضوع: آینده رژیم داؤد

تلگرام نمبر ۶۷۵۵ از سفارت امریکا به وزارت خارجه

2. خلاصه: دو ماه بعد از کودتا با آنکه داود در رأس رژیم جدید قرار دارد مگر هنوز هم اوضاع به صورت کامل در کنترل نیست.

نشانه های تشنج و بحران در بین رهبریت قوای عسکری که کودتا را انجام داده اند به نظر میرسد و اما از بیرون همه چیز آرام به نظر میرسد. در عقب همه مجادلاتی که جریان دارد مسائل ذیل نهفته است:

الف- درجه و سرعت تحولات مارکسیستی.

ب- درجه و سرعت پاکسازی اشخاص و تعاملاتی که به "تجربه دیموکراسی"

نام نهاد و ناکام ده سال گذشته مرتبط بوده اند

ج- درجه تغییر تمایل رژیم از یک رژیم متمایل به غرب به یک رژیم متمایل به

شمال یعنی اتحاد شوروی.

عملیه ساختن حکومت هم بنا بر دلایل ارتباطات فامیلی ، و هم بنا بر مجادله شدید بر ضد فساد و رشوتخوری و سوء اداره به آهستگی به پیش میرود.

شاید بعد از سپری شدن حدود شش ماه فهمیده بتوانیم که آیا واقعا داؤد کنترل قدرت دولتی را در اختیار دارد و یا نه.

احتمال ضد کودتا موجود است اما نه کودتا برضد داؤد بلکه از همه زیاد تر این احتمال زیاد است که داؤد کوشش خواهد کرد که تا افراطی های چپی را از قدرت خارج بسازد.

گرچه یک تعداد زیادی ادعا میکنند که اتحاد شوروی در این کودتا نقش داشته است اما نقش شوروی در این کودتا تا هنوز اسرار آمیز به نظر میرسد.

داؤد اعلام کرده است که وی کمک و همکاری زیاد تر امریکا و دیگر ممالک خارجی را میخواهد و دیده شود که آیا وی خواهد توانست استقلال خود را حفظ کند و یانه.

در عین حال وی خواهد کوشید تا حد توان کمک های بیشتر شوروی را بدست بیاورد، البته وی این کمک ها را مطابق به

شرایط خود میخواید. ما در این مورد قبول داریم که این موقف واقعی داؤد است ، البته موفقیت آن مبنی بر اینست که وی تا چه اندازه خواهد توانست که قدرت را در دست خود تمرکز بدهد.

2. دو ماه از کودتای ناگهانی میگذرد که داؤد را دوباره در افغانستان بر قدرت آورد. وضع سیاسی هنوز هم نا متعادل و بی ثبات است و از جنبه های متعددی شکننده به نظر میرسد خاصتا اگر از طرز دید راپور خلاصه اخیر SRF

دیده شود . و اگر اوضاع از نظر راپور طولانی دفتر معاونت های سفارت امریکا USAID در رابطه به تمام فعالیت های معاونتی و امدادی امریکا (ضمیمه الف) دیده شود منظره تاریکتر به نظر خواهد رسید. گرچه وضعیت معاونت ها تاریک به نظر میرسد بعضا نقاط امیدوار کننده و روشن هم در آن دیده میشود و باید متذکر شد که راپورهای متذکره یک دیگر را نفی نمیکند بلکه در تشریح یک وضعیت کلی متمم یک دیگر میباشند. ما باید در نظر بگیریم که در شرایطی هستیم که بدون شک با طرز دید ها و طرز تحلیل های مختلف روبرو خواهیم شد و این طرز دید ها و تحلیل ها هم مستقیما مربوط میشود به منابع این طرز دید ها و تحلیل ها. و باید در نظر گرفت که کابل زیاده تر از هر جای دیگر یک مرکز آوازه ها ، معلومات نیمه دروغ و معلومات مغرضانه و قصدی میباشند. دسترسی به منابع

سابقه ما یا روز به روز محدود میشود و یا معلومات منابع ما روز به روز بی فایده و بی ارزش ترمیشوند. این بخاطری است که

رژیم جدید به سرعت برای تعویض مقامات در حرکت است و این تعویض مقامات سابقه از یک

طرف منابع سابق را بی اثر میسازد و از طرف دیگر تمرکز شدید قدرت و تصمیم گیری در یک حلقه مرکزی سبب میشود که ارزش معلومات که از منابع مقامات درجات متوسط و پائینی بدست می آید بسیار محدود میباشد. بنائاً در

این معمای که ما صرف قطعات از آن را این طرف و آنطرف میبینیم ، بعضی قطعات در یک روشنی محدود از دور به نظر میرسند، تهیه کردن یک منظره مکمل اوضاع مشکل است. در هر صورت ما در ذیل کوشش خواهیم کرد که این رژیم و انتظارت در مورد آینده ای آن را با در نظر داشت ملحوظات متذکره در فوق تحلیل کنیم :

1. یک ملاحظه دیگر: باید تذکر داده شود و متوجه بود که این پیش بینی ها و تحلیل ها و ادعا ها را که داؤد ناکام خواهد شد را نباید به آسانی قبول کرد. به این دلیل که قطع شدن روابط با دوستان سابقه و از بین رفتن دسترسی به

منابع معمول گذشته و ایجاد یک رژیم با انضباط که بر خلاف گذشته شدیداً متوجه تماسها است ، خواه نا خواه از نظر سایکولوژی یک روحیه منفی و بدبینانه در بین ناظرین بین المللی موجود در کابل ایجاد کرده است.

4. مبارزه برای آینده رژیم داؤد حداقل در سه جبهه مختلف به پیش میرود، اما خطوط این جبهات قاطعانه از هم جدا نیست بلکه بعضاً میدان های این مبارزات با هم مخلوط میگردند و این جنگ

سردرگم پیش بینی در مورد اوضاع را مشکل و خطرناک میسازد. جبهات متذکره فوق قرار ذیل اند:

a. همانطوری که ما به صورت متواتر در هفته های گذشته راپور دادیم داؤد هنوز بر چوکی قدرت به صورت کامل مستحکم نشده است و سایه ای یک کمیته مرکزی بر وی قرار دارد که پر از صاحب منصبان جوان عسکری است که کودتا را با وی پلان و عملی کردند. اکثریت این صاحب منصبان حداقل چندین سال را در اتحاد شوروی برای تعلیمات عسکری گذرانده اند و بدون شک زیر تأثیر موفقیت های رژیم شوروی رفته اند. تصادم فکری این صاحب منصبان با داؤد احتمالاً در سه اصل ذیل است:

اول- تمایل این صاحب منصبان در عملی کردن راه حل های سریع افراطی مارکسیستی در مقایسه با طرز فکر داؤد که عبارت است از ایجاد دولت مرکزی قوی بر اساس عنعنات ملی افغانی و ایجاد تحولات محتاطانه.

دوم- عجله و بی تجربه گی صاحب منصبان جوان که به یکبارگی خود شان را برای اولین بار در مسند قدرت عظیمی می بینند، در مقایسه با تجربه داؤد در امور حکومت کردن، تجربه و دانش و معلومات وی در مورد جامعه عنعنوی افغانستان، احترام به بزرگان، و رهبری محتاطانه.

سوم- آرزوی انقلابی برای ریشه کن کردن مناسبات قومی و فامیلی و مدل حاکمیت قدیم در مقایسه با اهمیت مداوم به آن مناسبات و مدل های موجود در جامعه افغانستان و احترام اکثر افغان ها به مناسبات موجود در افغانستان.

این مجادله بین داؤد و این صاحب منصبان جوان در تقرر وزیران و مقامات کلیدی پایان تر از رتبه وزیر انعکاس یافته است و به ما نشان میدهد که چرا ساختن یک کابینه کامل به این آهستگی به پیش میرود. و دیده میشود که داؤد از تخنیک فابیان در سیاست معامله با این صاحب منصبان جوان در کمیته مرکزی استفاده میکند. مشاهده میشود که داؤد به مقرری های عجولانه این صاحب منصبان جوان موقع میدهد و با ثابت شدن بی کفایتی این ها در انجام امور آهسته آهسته یک تعداد از این مقرری ها را با اشخاص با تجربه و با کفایت انتخاب شده توسط خودش تعویض نماید.

b. صحنه دوم این مجادلات که احتمالاً در این صحنه داؤد حمایت پرشور این همکاران خود را با خود دارد عبارت است از از بین بردن تمام اثرات باقیمانده آن دوره غلط سنجیده شده ی نام نهاد "تجربه دیموکراسی" است. برای داؤد مهمترین الویت وفاداری به وی است.

لیاقت و تجربه مسلکی برای وی مهم است ، مگر در درجه دوم قرار دارد. " مخالفان غیر مسئول" تحمل نخواهند شد و این نوع برخورد

منتج به از بین رفتن کامل آزادی بیان تا یک آینده نامعلوم خواهد گردید. یک انقلاب خالص و شدید برضد فساد اداری و رشوتخواری و خویشخوری آغاز گردیده است که هم داؤد و هم رفقای کمیته

مرکزی وی شدیداً خواهان آن اند ، اما عقده های قبلی از یک طرف و انتقام های شخصی که یکی از اساسات کلچر پشتون ها

است در تمام تصامیم مهم رول عمده ای بازی خواهد کرد. تماس های آزاد

افغان های تحصیلکرده در غرب با خارجی ها که در گذشته امر معمول بود از این به بعد دیگر تحمل نخواهد شد و در نتیجه آن مقامات عالیرتبه سابق که از قدرت برکنار شده اند برای "توجیه این که چرا از قدرت برکنار شده اند" نظریات منفی خود را به ما منتقل خواهند کرد.

این مقامات عالیرتبه سابق به ما خواهند گفت که به دلیل این که در غرب تحصیلکرده اند از مقام شان برطرف شده اند ، در حالیکه اصل موضوع وفاداری و یا انتقام بوده است نه مسائل ایدیولوژیک.

C. و بالاخره جبهه دیگر عبارت است از آن مجادله روشن که در بین آن های که میخوانند افغانستان را در همان مسیر متمایل با غرب نگهدارند و آن هایی که بی صبرانه در تلاش هستند که افغانستان را به یکی

از اقمار اتحاد شوروی تبدیل نمایند در جریان است.

5. برخلاف توقع افغان ها و خارجی ها و با در نظر داشت اختلافات ایدیالوژیک و شخصی ، واضحاً برقراری یک رژیم باثبات به آهستگی به پیش میرود. از طرف دیگر با در نظر داشت جوانب به هم مختلط مجادلات متذکره در فوق ، این پیشرفت برای برقراری یک رژیم با ثبات را آهسته تر میسازد. اکثریت افغان های ناظر به اوضاع به این عقیده هستند که ضرورت به حد اقل شش ماه است تا موضوع یک طرفه شود که آیا داؤد صاحب خانه

خود و بادار این صاحب منصبان جوان میگردد و یا این که این صاحب منصبان جوان صاحب خانه و بادار داؤد خواهند گشت.

6. این احتمال شدید وجود دارد که قبل از این که خطوط اصلی این رژیم تذکر شده در فوق مشخص شود، در ظرف توسط یکی از سه جانب ذیل صورت چند هفته آینده یک ضد کودتا صورت خواهد گرفت. این ضد کودتا احتمالا خواهد گرفت:

i. احتمال دارد که تحمل و حوصله گروپ صاحب منصبان جوان در مورد رهبری احتیاط آمیز داؤد به سر برسد و دست به یک ضد کودتا زده وی را با شخص مورد اعتماد خود تعویض نمایند.

ii. صاحب منصبان بلند رتبه عسکری و پولیس رژیم سابقه که از مسیر حرکت این رژیم پریشان هستند و از قدرت برکنار شدن خود را تحمل کرده نمیتوانند شاید برای این که دوباره به قدرت برسند، با استفاده از یک نوع مناسبات دولت شاهی دست به یک ضد کودتا بر ضد دولت داؤد بزنند.

اتفاق نظر وسیع موجود است که شخص داؤد آهسته آهسته و خاموشانه خود را در موقعیتی قرار میدهد که با یک حرکت یک تعداد از این صاحب منصبان جوان را از قدرت محو نموده و موقعیت

خود را در رأس قدرت تثبیت و مستحکم بسازد. تمام کسانی که داؤد را در دوران رژیم قبلی و در سال های قدرتش در سال های ۱۹۵۰ میشناسند و تمام کسانی که شخصیت داؤد خان را میشناسند

به این عقیده هستند که این امکان ندارد که داؤد برای مدت زیادی یک نقش مثل جنرال نقیب را بازی نماید. (توضیحات مترجم = جنرال نقیب یک رئیس جمهور نمایشی در مصر بود که توسط گروپ جمال عبدالناصر برای چند وقتی به طور نمایشی بر سر قدرت قرار داده شده بود) اما دور بودن داؤد از قدرت برای ده سال سبب شده است که وی یک تعداد از همکاران سابق خود را با خود ندارد و یا آن دوستان وی دیگر قدرت و نفوذ سابق را ندارند، بناءً پایه های قدرت شخصی

داؤد بسیار محدود است. کوچکترین قدم اشتباه در موضوع پشتونستان باعث جنجال بزرگی خواهد

شد و برای پلان های داؤد قبل از وقت خواهد بود. که درک همین موضوع باعث احتیاط بی اندازه داؤد شده است. گرچه پیش بینی در مورد این سه احتمال بالا بسیار مشکل است اما امکان این نوع ضد کودتای سوم زیاده تر از دو امکان دیگر است.

9 نقش شوروی قبل و بعد از این کودتا تا هنوز در یک پرده اسرار باقیمانده است. ما تا هنوز هیچ استخبارات اعتباری در این مورد در دست نداریم. منطق حکم میکند که آن نظریه زیاده تر به واقعیت نزدیک است که زیاده ترین درجه دخالت شوروی قبل از کودتا در این است که این احتمال دارد که شوروی ها باخبر شده اند که واقعه ای در حال وقوع است و همین که کودتا صورت گرفت به سرعت برای تأمین حد اکثر منافع خود در این رژیم در عمل شدند البته آنهم تا اندازه ای که حساسیت موضوع را در نظر میگیرند و نمیخواهند که به دنیای خارج این نشانه داده شود که

شوروی ها در امور داخلی افغانستان مداخله میکنند. برخلاف نظریه بالا یک تعداد افغان های که بسیار بافهم و تحصیلکرده و در مورد اوضاع سیاسی حساس هستند ادعا دارند که "آنها باخبر هستند" که رابطه بسیار نزدیکتر بین شوروی ها و کودتاچی ها وجود داشته است. البته این جای شک نیست که در مقرری ها در وزارت های مختلف و در کمیته مرکزی موجودیت افراد حزب پرچم کمونیست طرفدار شوروی زیاده تر از

همه مشاهده میشود. یک تعداد منابع دیگر ادعا دارند که این کودتا توسط شوروی ها اجرا شده است. (در مورد این ادعا راپور جداگانه فرستاده خواهد شد) در هر صورت ، صرف نظر از این که کدام یک از این مدعیات به واقعیت نزدیک است ما عقیده داریم که این ناممکن است که داؤد اجازه بدهد که به وسیله شوروی ها استعمال شود

. البته داؤد کوشش خواهد کرد تا حدی که توان دارد و ممکن است از گاو شیری شوروی ها حد اکثر استفاده را برای افغانستان بدوشد و از تمام امکانات اقتصادی و حمایت سیاسی برای پیشبرد پلان و نقشه خودش استفاده خواهد کرد.

ما این اظهارات داؤد را که وی واقعاً میخواهد موجودیت سیاسی و اقتصادی امریکا ، دیگر ممالک و مؤسسات بین المللی در افغانستان باقی بماند ، را صادقانه میپنداریم و میدانیم که داؤد آرزو دارد تا با استفاده از این موجودیت غیر شوروی تعادل سیاسی را بر ضد نفوذ شوروی حفظ نموده و استقلال افغانستان را حفاظت نماید.

این مسئله بکلی وضاحت داده شده که وی توقع کمک های عظیم اقتصادی را از تمام منابع دارد، اما داؤد کمک ها را بر اساس شرایط خودش نخواهد نه بر اساس شرایط تحمیل شده توسط خارجی ها. اما ما شاهد این هم هستیم که خصومت با امریکا در جنبه های مختلف این دولت شدت یافته است و ما باید پیش بین این باشیم که درجه فشار از قدرت

و مزاحمت بر ما توسط مقامات انفرادی در دولت و پولیس و دیگر مقامات ملکی در وزارت ها که قبلا دور بوده اند افزایش خواهد یافت.

8 باید متذکر شد که در حال حاضر داؤد یگانه شخص منحصر به فرد افغانستان است که منحیث یک رهبر واقعی و

اصلی ملی افغانستان مورد قبول اردوی افغانستان ، اقوام ، اقشار تحصیلکرده ، شاگردان ، محصلین و مردم عام میباشد ، صرف نظر از این که این اقشار ملت افغانستان چپی هستند و یا به عنعنات ملی افغانستان معتقد هستند.

البته این قبولی به این معنی نیست که این هیچ امکان نخواهد داشت که کدام دگرمن جوان اردو اقدام به بدست گرفتن قدرت نخواهد کرد، اما ما به این عقیده هستیم که این دو ماه گذشته تأثیر شدیدی بر این صاحب منصبان

جوان گذاشته است و آنها دیده اند که بدست گرفتن قدرت بسیار آسانتر از اداره کردن دولت است.

گذشته از این ، داؤد بسیار هوشیارتر و دارای تجربه سیاسی و اداری زیاده تر است در مقایسه با این صاحب منصبان همکار جوان خود. اگرطور مثال از نظر شرط زدن محاسبه کنیم به نظر ما چانس داؤد از ۵۰٪ بسیار بالاتر است که آهسته آهسته قدرت شخصی خود را بر این رژیم مستحکم تر بسازد. و دوباره یک رژیم تیغ دار ، متمرکز بر داخل، مستقل ، شدیداً ملی ، و نوع خاص افغانی را بوجود خواهد آورد که در سال های ۱۹۵۰ رهبری میکرد، البته اگر اتحاد شوروی دست به سیاست مداخله فعال بیشتر نزند که از نظر ما بعید به نظر میرسد. و یا یک تصمیم غیر عاقلانه و جاهلانه توسط بوتو گرفته نشود که گفته است " به داؤد باید یک درس داده شود." در ظرف هفته های آینده اگر دو استثنای فوق صورت نگیرد، پیش بینی که ما توضیح دادیم از جمله احتمالی ترین پیش بینی ها برای رژیم موجود محسوب میشود. در هر حال گذشت روز ها و هفته ها از همه زیاده تر به نفع داؤد است نه صاحب منصبان جوان.

اگر داؤد بتواند دوام این هفته ها را به ماه ها اداره کند موقعیت وی منحیث مرد قدرتمند افغانستان تثبیت خواهد شد.

لویس¹⁹

¹⁹ _ تلگرام سال ۱۹۷۳ از سفارت امریکا در کابل تحلیل دو ماهه کودتای داؤد خان ، محترم احمد فواد ارسلان ، پورتال افغان جرمن

وضعیت ناگوار پادشاه و خانواده سلطنتی پس از سقوط سلطنت :

اگرچه میگویند مرحوم ظاهرشاه در دوران سلطنت به طور وسیعی دست به فروش املاک سلطنتی زده بود و از این راه صاحب میلیون ها دالر شده بود اما پس از سقوط سلطنت و آوارگی در ایتالیا زندگی سختی داشت ، سفیر ایران در رم با فرستادن گزارشی به شاه ایران از وضعیت ناگوار زندگی شاه و خانواده سلطنتی پرده برمیدارد ، او مینویسد ؛ شاه و خانواده سلطنتی که در حدود ۲۵ تن هستند در پنج اتاق و بدون خدمتکار زندگی میکنند و با وجود این تنها تا ۲ ماه دیگر میتوانند از عهده مخارج شان بریبایند .²⁰

محمدرضاشاه مخارج خانواده سلطنتی را به عهده گرفت اما ظاهر شاه به رئیس جمهور محمد داوود نامه ای فرستاد و در آن نوشت که اگر افغان ها هزینه های مالی خانواده سلطنتی را بپردازند او محتاج به کمک ایران نخواهد بود ، دولت افغانستان تامین هزینه های خانواده سلطنتی را تقبل کرد و مستمری ماهانه ای را برای خانواده سلطنتی در نظر گرفت به این شرح :

پادشاه ؛ ماهانه ۷ هزار دالر ملکه ؛ ماهانه ۲ هزار دالر هرکدام از فرزندان پادشاه ؛ ۱۰۰۰ دالر²¹

²⁰ ، گفتگوهای من با شاه ، اسدالله علم ، ص ۵۰۹

²¹ _ همان منبع ، ص ۵۹۵

استعفای پادشاه از سلطنت :

علی رغم میل علم مبنی بر مبارزه پادشاه ظاهر بر علیه جمهوریت شاه در ماه آگست سال ۱۷۹۳ رسماً استعفا نامه خویش را توسط نوراحمدی اعتمادی سفیر افغانستان در ایتالیا برای رئیس جمهور محمد داود فرستاد .

متن استعفای مرحوم ظاهر شاه :

برادرم جلالتماب رئیس جمهور

از موقعیکه خبر جریانات اخیر را شنیدم تا ایندم فکرم متوجه وطن من بود و برای آینده آن نگران بودم

مگر همین که دریافتم مردم افغانستان بغرض اداره آینده امور ملی خود از رژیم جمهوریت با اکثریت کامل استقبال نموده اند به احترام از اراده مردم و ظنم ، خودم را از سلطنت افغانستان مستعفی می‌شمارم .

و بدین وسیله از تصمیم خود به شما ابلاغ می‌کنم .

در حالیکه آرزوی من سعادت و اعتلای وطن عزیز من است خود را به حیث یک فرد افغان زیر سایه بیرق افغانستان قرار میدهم .

دعای من اینست که خداوند بزرگ و توانا همواره حامی و مددگار وطن و هموطنان من باشد .

محمد ظاهر شاه ، پادشاه سابق افغانستان

فرستادن بیعت نامه باعث شد تا سوءضن تبانی پادشاه با شهید محمد داود خان تقویت شود ، اگرچه اصلا این طور نبوده است و پادشاه شخصا این موضوع را با قاطعیت رد کرد .

با وجود استعفای شاه ، باز هم علم از پادشاه قطع امید نکرد و از فرزندان شاه ، شاهدخت بلقیس و شاهزاده محمود خواست تا از طرف او به شاه توصیه کنند که ارتباطش را با افغانستان قطع نکند .

اما شاه که از ابتدا امیدی به جبهه گیری پادشاه بر علیه جمهوریت نداشت از علم خواست تا طرح غیر معقول فرار عبدالولی خان را بررسی کند .

علم از دوستان عبدالولی خان به شمار میرفت و امیدوار بود تا در آینده عبدالولی خان را روی کار بیاورد

بالاخره شاه و علم به این نتیجه رسیدند که باید با جمهوریت رئیس جمهور داوود کنار بیایند و با همکاری پاکستان و حمایت ایالات متحده بوسیله استراتژی فشار ، او را مجبور به دوری از اتحاد شوروی کنند .

کنفرانس مطبوعاتی :

پس از انقلاب اولین کنفرانس مطبوعاتی با حضور ده ها خبرنگار خارجی و داخلی برگزار شد.

محل کنفرانس محوطه ارگ ریاست جمهوری بود ، محمد داود خان با لباسی ساده و عینک آفتابی در این کنفرانس حضور یافت خبرنگاران سوال هایی در مورد تلفات انقلاب و وضعیت امنیتی پرسیدند ، اما عجیب ترین سوال را یکی از خبرنگاران خارجی پرسید: آیا این تحول را میتوان بعنوان یک پیروزی برای مسکو تلقی کرد؟ و آیا افغانستان اکنون به اقمار شوروی پیوسته است؟ محمد داود خان با قاطعیت پاسخ داد :

افغانستان به اقمار هیچ کشور نیپیوسته بلکه قمریست که بر محور ناسیونالیزم خویش می چرخد .²²

²² _ پاسخ مرحوم داود خان به یک خبرنگار خارجی ، محترم حفیظ الله خالد ، پورتال افغان جرمن

کابینه جمهوریت :

محمد داود خان به عنوان رئیس دولت و صدراعظم تعیین شد و در عین حال وزارت دفاع و خارجه را هم به عهده داشت .

دکتر محمد حسن شرق : معاون صدراعظم

دکتر عبدالمجید : وزیر عدلیه

سید عبدالاله : وزیر مالیه

فیض محمد وزیری : وزیر داخله

نعمت الله پژواک : وزیر معارف

پاچاگل : وزیر امور سرحدات

دکتر عبدالقیوم : وزیر معادن و صنایع

غوث الدین فایق : وزیر فواید عامه

عبدالحمید محتاط : وزیر مخابرات

دکتر نظر محمد سکندر : وزیر صحیه (صحت عامه)

دکتر عبدالرحیم نوین : وزیر اطلاعات و کلتور

غلام جیلانی باختری : وزیر زراعت و آبیاری

بیانیه خطاب به مردم افغانستان :

این بیانیه ۳۵ روز بعد از وقوع انقلاب توسط شهید محمد داود خان قرائت شد ، بیانیه خطاب به مردم در شب اول ماه سنبله سال ۱۳۵۲ از رادیو پخش شد و فردای آن شب در روزنامه جمهوریت به چاپ رسید .

متن بیانیه :

بسم الله الرحمن الرحيم

هموطنان عزیز، نجیب و قدرشناس افغانستان

بمناسبت این رستاخیز ملی و تحول شگفت انگیز سیاسی که در وطن عزیز ما افغانستان رخ داده است، باز هم مراتب

تبریکات بی نهایت صمیمانه خود و رفقای قهرمان خویش را که به تاسی از اراده بالقوه ملت افغانستان جانبازانه به امر عظیم تاریخی ملی اقدام نمودند و سنگ تهداب اولین جمهوریت افغانستان را گذاشتند، به همه مردم نجیب و زحمت کش

کشور و بخصوص اردوی فداکار و جوان افغانستان تقدیم میدارم.

همچنان از پشتیبانی پرشور و شوق مردم افغانستان که از روز اول تأسیس رژیم جمهوری در وطن ابراز داشته اند، اظهار سپاسگذاری و تشکر می نمایم.

هموطنان گرامی میدانند که تاریخ استرداد استقلال افغانستان در حقیقت 6 جوزا است اما از سالیان دراز معمول برین شد که یاد بود آن روز مقدس ملی در اول سنبله تجلیل گردد. امسال هم به پیروی از تعامل گذشته خود را وجداناً مکلف

میدانم تا تبریکات خود و رفقای خود را به مناسبت این روز فرخنده بهمه هموطنان گرامی تقدیم کنم.

سه پیکار بزرگ ملت افغانستان در برابر تجاوز استعمار گواه بزرگ و انکار ناپذیرست از فداکاری، وطن دوستی و عزم شکست ناپذیر مردم ما.

استرداد استقلال کشور که پنجاه و چهار سال قبل به همت رهبران جلیل القدر افغانستان و به نیروی اردو و لشکرهای ملی و فداکار ملت افغان صورت گرفت، بار دیگر نمونه کاملی از همین مفهوم بود.

ما خدمات فراموش ناشدنی اعلیحضرت غازی امان الله خان و اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید و آن مردان بزرگ را که در صف اعلای مجادله با بیگانه گان قرار داشتند و قربانیهای فرزندان این سرزمین را که با رشادت فطری و آزادی خواهی در راه آزادی جان سپردند، به نظر تقدیر و احترام نگریسته به ارواح تمام شهدای معركة استقلال درود فراوان میفرستیم.

هموطنان گرامی، خواهران و برادران عزیز!

برحسب پلان و به یاری خداوند بزرگ و همکاری مردم خویش ما مطابق به شرایط و قانون تکامل جامعه علماً و عملاً

قدم بقدم برای اجرای تحولات بنیادی در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اقدام خواهیم کرد.

این وعده است که در روز اول اعلامیه جمهوریت برای مردم افغانستان داده شد. امیدوارم که بیاری خدای توانا من و رفقایم تا آخرین رمق حیات به ایفای این وعده صادق و وفادار خواهیم بود، ولی حتماً این سؤال مهم در افکار عامه جهان به وجود خواهد آمد که ما چرا منافع خانوادگی و طبقاتی خود را در راه منافع ملی و طبقات محروم کشور قربان کرده ایم، جواب گویای این سؤال این است که سیاست غیر عادلانه و ضد ملی رژیم سلطنتی طی دهه اخیر و عکس العمل های مشهود تمام طبقات مردم افغانستان خصوصاً منورین وطن علیه آن، و همچنان مشاهده تحولات سریعی که در سیمای منطقه و جهان به منفعیت آزادی و ترقی و به زیان استبداد - ارتجاع و استعمار بوجود آمد، به وجدان هیچ فرد وطن پرست افغان اجازه نمیداد که در برابر همه این فجایع خاموش بنشیند. روی این احساس مسئولیت وطن پرستانه بود که ما طوریکه در بیانیه اول خود اعلام داشتیم، برای سعادت و آینده وطن، بیرق جمهوریت و دموکراسی واقعی و معقول را که اساس آن بر خدمت به اکثریت مردم افغانستان برقرار باشد، برافراشتیم و در راه تأمین حقوق کامل مردم و اعتراف کامل به اصل حاکمیت ملی گام اول را به لطف خدا برداشتیم.

هموطنان عزیز آگاهند - آن امیدهای دیرینه و آن آرزوهای نیکی که ده سال قبل با حسن نیت ابراز شده بود، نه تنها در نظر گرفته نشد، بلکه رژیم سابق بر علیه مصالح و منافع طبقات محروم و ضد دموکراسی واقعی و ترقی و پیشرفت

کشور عملی {عمل} کرد. وطن عزیز ما افغانستان سرزمین دارای منابع طبیعی نسبتاً فراوان، خاک حاصل خیز، نفوس با استعداد و زحمت کش - کلتور و تمدن کهن، ولی وضع کشور ما و روزگار مردمش علی الرغم همه این عوامل مساعد، در اثر سلطه رژیم منسوخ گذشته رقت انگیز است.

هموطنان عزیز!

در طی ده سال گذشته سرپای جامعه ما را در ساحات مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، بحران عمیقی فرا گرفت که اینک به بررسی آن مختصراً پرداخته میشود:

درساحه اقتصادی:

اقتصاد کشور که با تطبیق دو پلان پنجساله اول و دوم رشد نسبی می یافت، با رکود مواجه گردید و بطرف ورشکستگی کامل سوق داده شد. پلان گذاری اقتصادی تابع امیال ذهنی اشخاص گردید، مؤثریت لازم خود را در امر رشد اقتصادی کشور از دست داد، آهنگ رشد اقتصادی کندتر گردید و تجمع سرمایه بوجود نیامد، از حجم سرمایه گذاریهای دولتی برای انکشاف اقتصادی از یکسال تا سال دیگر کاسته شد، پس انداز ها و سرمایه گذاریهای خصوصی برای ایجاد صنایع جلب نگردید. بطور مثال مجموع سرمایه گذاریها در پلان پنجسال دوم که ۲۶.۶۰ میلیارد افغانی بود در پلان سوم به ۱۹.۳۵ میلیارد افغانی تقلیل یافت. هرگاه تطبیق

چند پروژه محدود پیشبینی شده پلان دوم را که آنهم به کمک کشورهای دوست صورت گرفت، استثنا قرار دهیم، اقتصاد کشور طی دهه اخیر با ملاحظه رشد نفوس سالانه، صعود قیم و تناسب رشد کشورهای مشابه در حال رشد عوض اینکه گامی به جلو بردارد، به عقب گام گذاشته است. در نتیجه این وضع در عاید ملی کشور افزایش قابل ملاحظه به وجود نیامده و از آن هم قسمت عمده آن همه ساله بعوض اینکه سرمایه گذاری گردد، به راه های غلط و بولهوسی ها حیف و میل گردید. سرمایه گذاری خصوصی در پلان پنجساله اول ۹.۶ فیصد مجموع سرمایه گذاریها را تشکیل میداد، در حالیکه در پلان نام نهاد پنجساله سوم به ۶.۷ فیصد

تقلیل یافت. باوصف اینکه در اثر تطبیق دو پلان پنجساله اول و دوم اقتصادی زیربنا و تهداب اقتصادی کشور تا اندازه ریخته شده بود، ولی از آن زمینه های مساعد به منفعت تکامل اقتصادی و صنعتی کردن کشور بهره برداری لازم صورت نگرفت، در تولیدات صنعتی طی یک دهه اخیر افزایش قابل توجهی بعمل نیامد. در ساحه زراعت نیز انکشاف قابل وصفی رونما نگردید.

در حال حاضر اقتصاد کشور متکی به زراعت است و زراعت ۹۰ فیصد تولید مجموعی ملی را تشکیل میدهد. مناسبات کهنه زراعتی و شیوه های بسیار ابتدائی و عقب مانده زراعت که متأسفانه هنوز در جامعه ما مسلط است، باعث فقر دهقانان، تنگ بودن بازار ملی، عدم قدرت خرید مردم و کمبود مواد خام زراعتی گردیده است. طی این ده سال برای بهبود سیستم مالیاتی افغانستان گام مؤثری برداشته نشد. مالیات هنوز در عواید دولت سهم نهایت ناچیز دارد.

مالیات ارضی، مالیه مواشی و مالیات بر عایدات تاجران و شرکتهای تجارتي داخلی و خارجی بسط بسیار پائین سقوط کرد و بجای آن برای تکافوی مصارف اضافی دستگاه دولت به حجم مالیات غیر مستقیم افزوده شد.

در تجارت خارجی کشور در ده سال گذشته سیاست درهای باز تعقیب گردید. میان توريد اموال ضروری و غیر ضروری از لحاظ منافع ملی تفکیک بعمل نیامد. در صدور اجناس عمده صادراتی کشور بهبود به ملاحظه نرسید. هیچگونه کنترولی بر اسعار خارجی در کشور قایم نشد و نرخهای اسعاری سابق بر اقلام عمده صادراتی برداشته شد. سیاست پولی دولت در ساحه اسعار خارجی تابع نوسانات و دست بازیهای بازار سیاه گردید، نه تنها با نمایندگی های خارجی و تاجران خارجی طبق قانون معامله نگردید، بلکه برای آنها همه امتیازات خلاف مقررات داده شده و بدین وسیله اقتصاد کشور را تضعیف و ورشکست نمودند. خلاصه اینکه طی ده سال اخیر نابسامانی ها و بی بند و باریهای عام و تام از لحاظ اقتصادی در جامعه ما حکمفرما بود و این امر اقتصاد کشور را در آستانه ورشکست قرار داد و موجب کندی کامل رشد صنعتی و ترقی اقتصادی و اجتماعی مملکت گردید.

در ساحه اجتماعی:

سطح زندگی، فرهنگ و صحت در وطن ما متأسفانه در نازل ترین سطح جهانی قرار دارد.

طی دهه اخیر زندگی مردم افغانستان مرتبا پائین آمد و مخارج زندگی بالا رفت که بار سنگین و تحمل ناپذیر آن هر سال کمر شکن می شد. قیمت بطور سرسام آوری بالا رفت ولی معاش مامورین پائین رتبه و مستخدمین دولت، اجرت کارگران از حد بخور و نمیر تجاوز نکرد، فقر و بیکاری در جامعه سیاه روزی و آوارگی مردم شدت یافت. بیماری در میان مردم بیش از پیش شیوع پیدا کرد. معارف و فرهنگ ملی به انحطاط گرائید. عدم مسئولیت و عدم تطبیق قانون در جامعه حکمفرما گردید.

مطلق العنانی، ظلم و ستم مستبدین، متنفذین و مأمورین عالی رتبه بی رحم شدت یافت. فساد در دستگاه دولت بالا گرفت و به رسوائی کشید. دستبرد از بیت المال از ثروت ملی مملکت و از کیسه مردم رایج گردید. اختلاس، ارتشاء، احتکار، قاچاقبری، تقلب و سودخواری بطور روزافزون شیوع یافت. از این رو عرصه زندگی که به اکثریت مردم ما محدود بود، تنگ تر گردید.

در ساحه سیاسی:

سیاست داخلی دولت در ده سال گذشته بر پایه فریب و تقلب سیاسی خدعه و عوام فریبی استوار بود. دست زدن به انواع تهدید و تحریک اعمال سیاست زور و ایجاد وحشت و سیاست تبعیض و امتیاز در برابر گروه های مختلف مردم سیاست تفرقه و تفتین میان اقوام افغانستان شرط استقرار و بقای رژیم سلطنتی پنداشته میشد.

تحریک قوای ارتجاعی و تشویق آنها به تاخت و تاز علیه وطن پرستان آن هم به بهانه و در تحت اسم به اصطلاح "دموکراسی" در سیاست داخلی رژیم منسوخ گذشته مقام بلندی داشت.

سیاست اختناق و فشار به مردم تحمیل میشد، از ظلم و ستمگری و بی عدالتی زورآوران دفاع گردید و داد مظلومان خواسته نمیشد.

فساد درمیان مردم و بخصوص درمیان نسل جوان عمداً ترویج داده میشد. دسیسه و تفرقه های ضد ملی صورت میگرفت.

از دموکراسی قلبی سوء استفاده بعمل می آمد و پارلمان بیک ماشین رأی دهی و صحنه گذاری برای اعمال ضد ملی رژیم و بیک دستگاه چپاول و غارتگری از خزانه بیت المال و جیب مردم مبدل گردیده بود. حقوق و آزادی های حقیقی مردم روز به روز سلب میشد و عمالاً پایمال میگردد. قانون جنگل و زورگوئی و خود سری بر کشور حاکم بود.

مشخصه سیاست رژیم گذشته را تحت عنوان عمومی سیاست بیطرفی - سیاست استفاده جوئی تشکیل میداد.

از قضاوت آزاد در سیاست خارجی سخن گفته میشد ولی در عمل قضاوت آزاد مردم در هیچ مسأله اساسی زمینه تطبیق پیدا نکرد. دولت در سیاست خارجی خویش صادق نبود. فریب و تدویر، سازش و کرنش از مشخصات این سیاست بود.

نه آه و فریاد مظلومان و نه زنگ های خطری که از هر طرف بصدا درآمده بود، نتوانست آن رژیم مغرور را از حال بدبخت و

فلاکت در وطنش ملتفت سازد. دیگر امید اصلاح بکلی قطع گردید و جز سرنگون ساختن چنین رژیمی راه دیگری وجود نداشت.

ولی وضع آشفته و فلاکت باری که رژیم گذشته به میراث ماند، طالب وظایف سنگین از جانب ماست. عقب ماندگیها در همه شئون زندگی اجتماعی اقتصادی فراوان و بزرگ است که باید رفع گردد. نارسائیهای زیادی در شیوه های کار وجود دارد که باید اصلاح شود. وضع اقتصادی کشور سخت برهم و درهم و بی نظم است.

مشکلات گوناگونی در حیات اجتماعی مردم موجود است - دستگاه اداره دولت فوق العاده فاسد و فرتوت است. بی عدالتی اجتماعی در کلیه ساحات زندگی آشکار است. فقر و بیکاری و بیماری و بی سوادی در جامعه مسلط است. تبعیض و نابرابری نتایج نامطلوبی را بار آورده است و بهمین ترتیب دهها مشکل دیگر که باید حل گردد و صدها وظیفه مبرم ملی که باید انجام گیرد.

اما باید دید که آیا میتوان این همه مشکلات را به یک بارگی حل کرد؟ و آیا میتوان تمام وظایف ملی را که در برابر ما قرار دارد، فوراً انجام داد؟

تجربه برخی از کشور های دیگر که به رشد اجتماعی - اقتصادی خویش آغاز کردند، مؤید این است که شتاب زده گی و دست زدن به هر وسیله ممکن و ناممکن برای رفع فوری عقب ماندگی های قرون و اصلاح فوری تمام امور کاریست طفلانه و عملی است بی نتیجه. لذا باید با درایت و متانت با سنجش دقیق و با استفاده

از حد اکثر امکانات به غرض اصلاح جامعه و تامین شرایط برای بهبودی وضع مردم آغاز کرد.

باید قدم به قدم ساحهٔ فعالیتهای عملی را بسط و گسترش داد، مرحله به مرحله به پیش رفت. شرط ضروری انجام موفقانهٔ وظایف مبرم ملی با شرکت قاطبهٔ مردم در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور است.

هموطنان! اکنون در مرحلهٔ قرار داریم که سوال های زیر مطرح است: چه کرده میتوانیم؟ از کجا باید شروع کرد؟ به کدام جهت باید رفت؟

برای جواب دادن به این پرسشها باید قبل از همه اعلام داشت که در اوضاع و احوال کنونی وظیفهٔ عمده و مبرم و ضروری دولت جمهوری جوان افغانستان تحکیم پایه های رژیم جمهوری، تامین امنیت کامل، مصئونیت و رعایت

قانون در کشور است تا شرایط سالم و مطمئن دموکراتیک برای مردم سراسر افغانستان بدون تبعیض و امتیاز آماده گردد و در زودترین فرصت کمیسیونی به غرض مطالعه و تدوین مسوده قانون اساسی جدید جمهوری تعیین و پس از طی مراحل قانونی و تصویب آن از طرف لویه جرگه افغانستان به مرحله انفاذ درآید و دموکراسی حقیقی تحقق یابد.

دولت جمهوری افغانستان خواهان تحول عمیق و اساسی در نظام اجتماعی کشور است. دولت با در نظر داشت و ایفای وظایف متذکره و به موازات آن در اجرای وظایف ذیل مجدانه سعی خواهد کرد:

1 - اصلاحات اساسی :

با از بین رفتن رژیم گذشته اکنون امکان آن بوجود آمده است که کلیه قوای دولتی بدست مردم و استقرار حاکمیت ملی در وجود جمهوریت جوان و دموکراتیک افغانستان متمرکز گردد.

حاکمیت ملی:

خوش بختانه {خوشبختانه} جمهوریت جوان از پشتی بانی {پشتیبانی} صمیمانه اکثریت مردم افغانستان برخوردار است از منافع ایشان نمایندگی میکند. در آینده براساس قانون اساسی جمهوریت که نافذ میگردد، تجدید انتخابات هیئت دولت

جمهوری و تفکیک قوای دولت بر اساس تساوی حقوق و اشتراک قانونی مردم افغانستان صورت خواهد گرفت.

دولت جمهوری بمنظور دفاع از تمامیت ارضی و استقلال وطن ما افغانستان و حاکمیت ملی که از وظایف مقدس آن است با در نظر داشت موازنه قوا درین منطقه دنیا، قوای مسلح و قدرت دفاعی کشور را تقویه خواهد نمود.

اردوی جوان افغانستان دیگر یک اردوی جمهوریت است.

دولت جمهوری دستگاه اداری دولت را از لحاظ پرسونل، شیوه های کار، سادگی و سرعت عمل و سیستم اداره تصفیه و اصلاح خواهد کرد و آنرا سر از نو تشکیل و تکامل خواهد داد.

دولت جمهوری افغانستان که براساس منافع مردم که در نتیجه فداکاری مردان وطنپرست بوجود آمده است، بسط و توسعه حقوق آزادیهای دیموکراتیک را در وجود قانون اساسی جمهوریت و دیگر قوانین متمم آن بخاطر ترقی و تکامل جامعه، استحکام نظام جدید و پیشرفت مادی و معنوی لازم می شمارد.

دولت جمهوری افغانستان برای تامین آزادیهای مردم در چوکات منافع ملی و مصالح رژیم جمهوری از همین اکنون به اقدامات مقتضی متوسل خواهد شد.

مساله ملی :

افغانستان کشوریست که در آن اقوام برادر مختلف زندگی دارند، رشته های مختلفی، این ساکنین افغانستان را بهم پیوند میدهد که در تاریخ طولانی کشور سرنوشت مشترک داشته و در راه استقلال و آزادی کشور متحدانه مبارزه کرده اند، در ایجاد فرهنگ مشترک ملی باهم همکاری نموده اند.

لهذا دولت جمهوری برای ایجاد یک اتحاد واقعی روابط مادی و معنوی بین مردم افغانستان بر اساس برابری، برادری و دوستی سعی می نماید و در پی آنست که همه انواع و اشکال تبعیض را ریشه کن سازد.

2- اصلاحات اقتصادی:

افغانستان از لحاظ اقتصادی کشوری است در حال رشد و رفع این عقب ماندگی مستلزم آنست که گام های سریع و وسیعی در این زمینه برداشته شود و تحولات بنیادی درین مورد اجراء گردد و یک اقتصاد ملی مستقل ، مترقی ، هماهنگ

و بر اساس پلان و بر پایه ساینس و تکنولوژی معاصر باید ایجاد شود.

توسعه صنایع :

دولت جمهوری افغانستان ایجاد صنایع سنگین از قبیل صنایع استخراج معادن، ایجاد صنایع فلز کاری و ماشین سازی، صنایع کیمیاوی و برق را که ضامن پیشرفت سریع اقتصاد و تحکیم استقلال کشور است، حایز اهمیت بزرگ می شمارد

و در تحت سکتور اقتصادی دولتی اقدامات جدی را در زمینه مرعی خواهد داشت. استفاده از معدن حاجی گک بمنظور

ایجاد کارخانه ذوب آهن و صنعتی ساختن کشور آرزوی دیرین ماست.

دولت جمهوری سرمایه گذاریهای خصوصی و تشبثات فردی را در رشته ایجاد صنایع کوچک و متوسط و صنایع دستی تشویق، حمایه، رهبری و کنترل خواهد کرد و همکاریهای لازم را بین سرمایه های دولتی و خصوصی بمنظور ترقی،

هماهنگی و رشد متعادل اقتصاد ملی بصورت مختلف بوجود خواهد آورد.

دولت جمهوری حمایت از صنایع ملی، صنایع دستی و هنرهای ملی را وظیفه جدی خود می‌شمارد و سیاست حمایتی را از صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال و سرمایه‌های خارجی در پیش خواهد گرفت.

تجارت :

دولت جمهوری تجارت خارجی کشور را به اساس یک تجارت رهنمائی شده بر روی منافع ملی رهبری خواهد کرد.

در ساحه پولی و مالی:

دولت جمهوری اسعار خارجی را در کشور کنترل جدی خواهد کرد. دولت از دوران پول در بازار سیاه سر سود فاحش جلوگیری بعمل خواهد آورد و امانات و پس اندازها را در بانک‌ها تشویق و تضمین خواهد کرد.

دولت جمهوری افغانستان سیستم مالیاتی کشور را بر اساس رجحان دادن مالیات مستقیم بر غیرمستقیم اصلاح خواهد کرد.

زراعت :

دولت جمهوری افغانستان اصلاحات ارضی را برای منافع اکثریت مردم افغانستان یکی از اقدامات عمده در پروگرام اصلاحات بنیادی خویش در نظر خواهد گرفت.

کوپراتیف ها و شرکتهای تعاونی زراعتی تولید و مصرف با اشتراک اکثر زارعین و به نفع آنان به وسیله دولت جمهوری تاسیس خواهد شد.

دولت اراضی بایر را در صورتیکه امکان آن موجود باشد آباد و شبکه های آبیاری را توسعه خواهد داد. همچنان دولت تدابیر علمی را برای بسط و توسعه تریبیه حیوانات اتخاذ خواهد کرد.

ساختمان مواصلات و حمل و نقل:

دولت جمهوری ساختمان های عامه را مطابق به مقتضیات و شرایط عصر بوجود خواهد آورد، فعالیت های خانه سازی را تسریع خواهد کرد و به بی خانه ها و مستحقین واقعی قرار مقررات آن توزیع خواهد کرد.

دولت شهرسازی را در کشور اصلاح و بخصوص پلان بیست و پنجساله تجدید ساختمان شهر کابل را تطبیق خواهد نمود. دولت شبکه های مواصلاتی را توسعه، شهرها و مراکز عمده اقتصادی کشور را بوسیله راه های اساسی موثر رو باهم وصل و امکان تاسیس شبکه های راه آهن را برای آینده کشور مطالعه خواهد نمود. دولت جمهوری بمنظور تسریع حمل و نقل و تامین رفاه مردم وسایل ترانسپورتهای عامه و در درجه اول شرکت های بزرگ

ترانسپورتهای را رهنمائی و تقویت خواهد کرد و در امور سرویس های شهری برای مردم سهولت بیشتری را در نظر دارد.

- اصلاحات اجتماعی :

در وضع کنونی کشور ما اکثریت مطلق مردم از حقوق و نعمات مادی و معنوی محروم اند و از لحاظ اجتماعی در شرایط دشواری بسر می برند. این وضع رقت بار به هیچ وجه متناسب با مدنیت معاصر و در خور مردم نجیب و

مستعد افغانستان نیست، لهذا دولت جمهوری افغانستان پروگرام اصلاحات ذیل را در نظر دارد:

بهبود شرایط کار:

دولت جمهوری برای بهبود شرایط کار، معیشت مامورین و مستخدمین دولتی و سایر مردم اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد. ارتقا به مقامات دولتی بر اساس شایستگی، تقوا، صالحیت سوابق خدمت، روحیه وطن دوستی و عشق به خدمت در راه اعتلا و ترقی وطن در نظر خواهد گرفت.

دولت در جمله نخستین اقدامات خویش حد اقل دستمزد کارگران را متناسب به مخارج زندگی و احتیاجات ضروری مادی و معنوی ایشان و ساعات کار کارگران را تعیین خواهد کرد و اصل مزد مساوی در برابر کار مساوی را برقرار خواهد ساخت.

دولت قانون مترقی و دیموکراتیک کار را بمنظور اصلاح و بهبود شرایط کار و تأمین مصئونیت حقوق فردی واجتماعی کارگران صنعتی و زراعتی وضع و تطبیق خواهد کرد.

دولت جمهوری بیمه های اجتماعی را برای مامورین و مستخدمین دولتی و سایر اتباع کشور نظر به وضع و بنیه مالی خویش تاسیس خواهد کرد و نیز بهبود وضع بلدییه را جزء اقدامات خویش به غرض بهبود شرایط زندگی مردم در نظر خواهد گرفت و در تثبیت کرایه خانه ها، موسسات و دکاکین جداً اقدام خواهد کرد.

ترقی عمومی:

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرام های معارف تجدید نظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد. برای امحای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوا و با روحیه وطن دوستی و خدمت به مردم پرورش خواهد داد.

دولت تعلیمات ابتدائی عمومی و مجانی را برای تمام کودکان اعم از دختر و پسر از طریق بسط و توسعه مکاتب دولتی تأمین خواهد کرد. همچنان زمینه های تعلیمات متوسط و عالی بمنظور پرورش کادر علمی آماده خواهد ساخت.

دولت جمهوری برای بسط و توسعه مطبوعات و انتشارات دیموکراتیک بمنظور بیداری مردم کمک موثر خواهد کرد و هنرهای ملی تیاتر، سینما و رادیو را تقویه و توسعه خواهد بخشید

و همچنان برای ایجاد شبکه تلویزیون در مملکت عندالزوم اقدام خواهد کرد.

دولت به منظور توسعه تحقیقات علمی و تاریخی در باره مدنیت گذشته مملکت برای حفظ آثار باستانی و تحقیقات باستانشناسی و تاسیس موزیم های ملی اقدام لازم را مرعی خواهد داشت.

دولت در ایجاد کتابخانه ها به سویه های مختلف و در نقاط مختلف کشور سعی بعمل خواهد آورد.

دولت جمهوری طب معالجوی و شفاخانه های دولتی را بسط و توسعه خواهد داد، تا زمینه تداوی و معالجه برای عموم اهالی کشور، حتی المقدور فراهم گردد، مخصوصاً طب وقایوی را توسعه خواهد بخشید و برای جلوگیری از بیماری های ساری وسایل و تجهیزات لازم را فراهم خواهد کرد.

دولت نظر به ایجاب وضع مالی مملکت زایشگاه ها، شیرخوارگاه ها و کودکان ها را بمنظور حمایه مادران و کودکان و رشد سالم و تربیت نسل جدید ایجاد خواهد کرد.

دولت برای ریشه کن کردن فحشاء، اعتیاد به چرس، تریاک و الکل به اقدامات جدی متوسل خواهد شد. همچنان علیه گرانی، احتکار و قاچاق جداً مبارزه خواهد کرد.

دولت جمهوری برای ایجاد شرایط لازم جهت تامین و تساوی حقوق زنان افغان با مردان افغان در کلیه شئون حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اقدام خواهد کرد.

دولت شرایط لازم را حتی المقدور جهت مسکون شدن کوچی ها و همچنان توزیع املاک دولتی را برای مردمان بی زمین فراهم خواهد آورد و آثار حیات بدوی کوچی و عشیره وی را از بین خواهد برد.

هموطنان عزیز!

مسلم است که ترقی اقتصادی و اجتماعی و تحول فرهنگی، اجرای ریفورم های بنیادی و تامین دیموکراسی واقعی، با هم ارتباط نزدیک دارد. در وضع سیر تکامل منطقه و جهان تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی به وقوع پیوسته است و جنبش های ملی و اجتماعی بطور روز افزون اوج میگیرد. نیروهای صلح دوست و آزادیخواه در برابر جنگ و تجاوز در جهان برتری کسب می نمایند. سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز روز بروز در جهان طرفدار بیشتر پیدا میکند.

دولت جمهوری جوان افغانستان با در نظر داشت تحولات جهانی و به تاسی از سیاست داخلی مترقی خویش مسایل آتی را در سیاست خارجی خود در نظر میگیرد:

افغانستان همیشه یک کشور صلح دوست بوده و خواهد بود. این سیاست بخصوص از طرف دولت جمهوری جوان افغانستان بصورت دوام دار تعقیب میگردد.

دولت جمهوری افغانستان در حالی که به معاهدات عادلانه بین المللی خود وفادار مییاشد، معتقد است که با کمک کشورهای عضو

سازمان ملل متحد و به اتفاق سایر کشورهای صلح دوست جهان، میتواند در امر تامین صلح و امنیت،

رفع تشنجات بین المللی و موفقیت سیاست دیتانت، سهم بگیرد.

دولت جمهوری افغانستان معتقد است که باید به سیاست استعمار و نژاد پرستانه خاتمه داده شود. اصل حق تعیین سرنوشت ملل تحقق یابد، آثار تجاوز اسرائیل بر کشورهای عربی از میان برده شود و حقوق ملی مردمان فلسطینی احیاء گردد.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای پیرو نظام های اجتماعی مختلف بطور دوامدار تعقیب گردد و به سیاست تجاوز و جنگ خاتمه داده شود و از توسل به قوه در زمینه حل مسائل مورد اختلاف اجتناب بعمل آید.

بخاطر اعتقاد به این هدف ها دولت جمهوری افغانستان بر اساس سیاست مستقل صلح جویانه، بیطرفی مثبت و فعال و عدم شرکت در پیمان های نظامی، احترام به منشور ملل متحد، پشتیبانی از نهضت آزادیخواهی، دوستی و همکاری و تحکیم روابط حسنه با تمام کشورهای صلح دوست جهان - بسط و توسعه روابط و همکاری اقتصادی، فنی و فرهنگی به این کشورها، بر مبنای منافع متقابل ملی استوار میباشد.

دولت جمهوری افغانستان به پیروی از اراده آزاد مردم خود یکبار دیگر به تائید از اعلامیه جمهوری به صراحت و صداقت اعلام میدارد که ماهیت سیاست داخلی و خارجی افغانستان را اصل صلح و عدالت، آزادی ملی، حاکمیت ملی

و استقلال ملی تشکیل میدهد. بنا بر آن تکرار میکنم که زیستن در صلح و تقویۀ علایق دوستانه به اساس احترام متقابل به همه مردم و ملل دنیا، یکی از آرزوهای قلبی ما است.

به حکم اصول همجواری خاطر نشان میسازم که روابط همسایگی نیک دوستی ما با اتحاد جماهیر شوروی خلل ناپذیر است.

با همسایه دیگر خود جمهوریت مردم چین مناسبات دوستانه و صمیمانه داریم و آرزو مندیم این دوستی باز هم گسترش یابد.

روابط ما با برادران ایرانی همیشه دوستانه بوده و امیدواریم این روابط دوستانه بیشتر تحکیم گردد. در مورد مناسبات ما با پاکستان باید گفت که متأسفانه این یگانه کشوری است که روی مسئله پشتونستان و حقوق حقۀ برادران پشتون و بلوچ خود با آن اختلاف نظر داریم. دولت جمهوری افغانستان با حوصله و خونسردی کامل در راه پیدا کردن راه حل مسالمت آمیز و شرافتمندانه مسئلۀ ملی پشتونستان مجدانه سعی خواهد کرد. ما عقیده داریم که مناسبات افغانستان و پاکستان با منافع دو کشور و با منافع ترقی و تحکیم صلح در منطقه مطابقت دارد و امیدواریم سر انجام به این امر توفیق خواهیم یافت.

پیوند های معنوی فراوان ما را با کشور های ملی و مترقی عربی بسته میسازد. ما با کشورهای غیر منسلک جهان سوم بخاطر تامین صلح و مبارزه علیه استعمار به هر شکلی که باشد و تبعیض نژادی همکاری نزدیک خواهیم داشت.

رشته های محکم و وجوه مشترک قابل توجه، دوستی ما را با هند و بنگله دیش تامین کرده است و خواهان صلح دایمی در نیم قاره میباشیم.

درین موقع بيمورد نخواهد بود از تمام موسسات بین المللی و همه ممالک دوست مخصوصاً اتحاد جماهیر شوروی، اضلاع متحده آمریکا، جمهوریت فدرالی آلمان، جمهوریت مردم چین و تمام ممالک دوست که در راه انکشاف و پیشرفت وطن ما سهم گرفته اند، قدردانی نموده و از صمیم قلب از طرف دولت و مردم افغانستان اظهار تشکر نمایم.

هموطنان عزیز!

اجازه میخوام تا با صراحت که خاصه ما افغانها است در روشنی واقعی ترقی خواهانه اسلامی و مطابق به ایجابات عصر و زمان اعلام دارم که دولت جمهوری جوان افغانستان در راه اصلاحات بنیادی، بدون شتاب قدم به قدم و بیاری خدا، بدون لغزش بجانب افراط و تفریط، شجاعانه به پیش خواهد رفت.

ما مستشعریم که وظیفه اساسی دولت جمهوری افغانستان درین مرحله تاریخی عبارت از پایان بخشیدن به نابرابری های اجتماعی، فقر و عقب ماندگی که در طول قرون متوالی دامنگیر کشور ما است، تحکیم استقلال سیاسی و نیل به استقلال اقتصادی میباشد.

دولت جمهوری هرگاه در مرحله مبارزه بخاطر ترقی اجتماعی و ایجاد یک اقتصاد مستحکم ملی وارد نگردد، استقلال سیاسی کشور

و حاکمیت ملی مردم ما به مخاطره می افتد. بخاطر ایجاد یک اقتصاد ملی متکی به ساینس و تکنولوژی

معاصر و ارتقای سطح زندگی مردم ما لازم است که ریفورم های عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی اجرا گردد، سکتور دولتی تحکیم و تکامل یابد، کشور صنعتی و صنایع ملی احداث گردد، دیموکراسی در حیات اجتماعی سیاسی و اقتصادی تعمیم یابد.

صرف تحولات انقلابی واقعی کشور را قادر خواهد ساخت که استقلال ملی خویش را تحکیم نماید و با اطمینان به یاری خداوند بزرگ در شاهراه ترقی اقتصادی و اجتماعی گام نهد.

هموطنان بسیار عزیز و گرامی!

ایفای این وظایف عظیم ملی ایجاب میکند که درین مرحله خطیر و حساس تاریخی تمام نیروهای ملی و مترقی و تمام طبقات و طندوست کشور در یک جبهه وسیع تحت لوای رژیم جمهوریت جوان کشور متحد گردند و به فضل خداوند

جهت اصلاحات بنیادی و ایجاد یک افغانستان نوین مقتدر و مترقی، با شور و شوق وطن پرستانه، با شجاعت و اطمینان به آینده، با سرود انقلابی جمهوری جوان افغانستان عزیز به توکل خالق بی نیاز به پیش روند :

مذهب زنده دلان خواب پریشانی نیست

از همین خاک جهان دیگری ساختن است

زنده و جاوید باد افغانستان - سر بلند باد مردم افغانستان - بر افراشته
باد بیرق جمهوری
و من الله التوفیق 23

23_ متن مکمل بیانیہ خطاب به مردم افغانستان ، محترم داکتر سید عبدالله کاظم ، پورتال افغان جرمن آنلاین

پرچم جمهوریت :

پس از انقلاب پرچم افغانستان هم تغییراتی کرد ، نشان عقابی با بالهای باز که در میان دو خوشه گندم قرار گرفته بود به پرچم اضافه شد و محراب و منبر در سینه عقاب جای گرفت با وجود آن که نشان عقاب محراب و منبر را هم در خود جای داده بود ، باز هم تعدادی از روحانیون مخالفت شان را با این کار ابراز میکردند .

شهید محمد داود خان به مناسبت برافراشته شدن پرچم ملی جدید بیانیه ای را ایراد فرمودند :

بیانیه برافراشتن پرچم :

بیانیه برافراشتن بیرق جمهوری

1976 جون 4

برادران عزیز و هموطنم!

افتخار دارم که برای بار اول در تاریخ پر افتخار چندین هزار ساله این سرزمین کهن به لطف خداوند بزرگ و توانا و به نام ملت نجیب افغانستان این پرچم ملی نظام جمهوریت نوین وطنم را که به اراده مردم ما، به همت سربازی فرزندان وطنپرست و

اردوی غیور آن به تاریخ 26 سرطان 1352 اعلام و تاسیس گردید، امروز رسماً بر فراز مقر ریاست جمهوری بلند میکنم.

این نظام مردمی یعنی جمهوریت مال موروثی یک شخص و یا یک طبقه خاصی نیست، بلکه مال هر فرد ملت نجیب افغانستان میباشد و حق دارند و خواهند داشت کسانی را که لایق و شایسته زمامداری خود بدانند، خود انتخاب کنند

و خود تعیین نمایند. حفظ و نگهبانی این نظام فرخنده و افتخارات آن، بدون شک فدا کاریها و از خود گذریهای همه جانبه ملت افغانستان را ایجاب میکند.

به شهادت تاریخ در پیکار زندگی همیشه در برابر تجاوز و استعمار ایستاده گی کرده ایم و ضمناً از دسایس و حيله های آن صدمه و آسیب بسیاری دیده ایم. هر وقت که استعمار در صدد عقب نگهداشتن ملتی از کاروان پیشرفت تکامل بر آمده است، اولین و مهمترین وسیله ای که به کار برده اند، تولید بدبینی و نفاق بین اشخاص و طبقات و رخنه کردن در بنیان وحدت ملی آن بوده است. درس های تلخ تاریخ نباید فراموش خاطر ما گردد. فکراستعمار و استعمارگری هنوز در دنیای ما وجود دارد. اگر شکل ظاهری خود را تغییر داده است، اما در هدف اصلی آن باور نمیکنم تعدیل و تغییری وارد شده باشد. لذا وظیفه هر فرد و طندوست افغان است تا برای بقا و سعادت ملی خود و حفظ نظام جمهوری خود، در هر چه نگاه میکنند، هر چه می بینند، و هر چه میشوند، آنرا در روشنی حقایق فوق تحلیل کنند و قضاوت شان آگاهانه عاقلانه باشد.

دوستان عزیز !

اکنون قریب ده ماه از عمر نظام جمهورییت مامیگذرد. در ظرف این مدت بسا چیزها دیدم ، بسا چیزها شنیدم و بسا چیزها آموختم. گاهی در ایمان و دینات ما به نظر شک و تردید نگریستند و گاهی ما را فاقد آدیالوژی قلمداد نمودند.

اما آنچه خود ما در راه خدمت به وطن خویش انجام داده ایم ، خود و وجدان ما میدانیم که چه کرده ایم و بهتر است قضاوت آنرا به زمانه و تاریخ آینده کشور بگذاریم ، اما به آنانیکه ما را گاهی به این صفت و آن صفت یاد میکنند،

باید خاطر نشان سازم که اتهامات شان نسبت به ما نه تنها کاملاً غرض الود و عاری از حقیقت است، بلکه توهین به صفت وطن پرستی و تحقیر به غرور نسل نوین افغان است.

برادران عزیز!

یقین داشته باشد انسانهای فاقد ایمان و مسلک هیچگاه مصدر خدمات بزرگ و ارزنده ای برای وطن و جامعه خود نشدند و نخواهند شد.

در ظرف این چند ماه نشرات ضد و نقیض چه از راه جراید و رادیوها و چه از طریق اظهارات و بیانات مردمان مزدور پاکستان نسبت به وطن ما و راجع به مناسبات پاکستان و افغانستان شنیدیم. چنانچه شاغلی بوتو صدر اعظم پاکستان در بیانیه اخیر خود در لاهور خود گفته است که پاکستان برای مذاکره با افغانستان آماده

میباشد تا معلوم گردد که روابط عادی بین دو کشور بر اساس خودمختاری ملی و تمامیت ارضی برقرار شده میتواند یا نه؟
دوستان عزیز!

میدانم مفهوم این جملات از نظر آنانیکه به زبان دیپلوماسی آگاهند، پوشیده نمیاند، اما چرا به زبان ساده و عام فهم مردمان خود ماحرف نزنیم، تا همه بدانند که چه میگوئیم و حقیقت از چه قرار است. روابط عادی که فعال بین ما موجود است، پس مقصد از روابط عادی که صدراعظم پاکستان به آن اشاره نموده آند چیست؟ چنانچه بارها گفته شده، یک بار دیگر تکرار میکنم که بین ما و پاکستان جز قضیه پشتونستان و سرنوشت برادران پشتون و بلوچ ما هیچ اختلاف دیگری وجود ندارد. آیا بهتر نمیشد که جناب بوتو با نظر فراخ و وسعت و حسن نظر و با دور اندیشی به غرض حفظ صلح و سلامت این منطقه آسیا که همه ما در آن زیست میکنیم، میگفتند که پاکستان برای مذاکره با حکومت افغانستان آماده میباشد. درینصورت به کمال حسن نیت دور میز مذاکره می نشستیم، چه بهتر که به نتیجه مطلوب می رسیدیم و الی موقوف فعلی خود را طوری که است میتوانستیم و میتوانیم حفظ کنیم. بهر صورت، آن کار آقای بوتو صدراعظم پاکستان است. آنچه مربوط به حکومت افغانستان است میتوانم بگویم موقوف ما روشن است و برای هر گونه مذاکراتیکه در آن قید و شرط قبلی موجود نباشد، حاضر و آماده هستیم.

ملت افغانستان همیشه مردم صلح دوست بوده و میباشند.

دوستی و صمیمیت سعادت و خوشبختی بشر را جز در سایه صلح و صفا سراغ ندارد و به این اساس است که پایه و غایه سیاست خارجی ما باحفظ منافع ملی و تمامیت ملی افغانستان عزیز به اساس احترام متقابل و دوستی با همه مردم ملل جهان استوار است و خواهد بود.

آنچه را امروز برافراشتیم پرچم ملی ما است، این سمبول انقلاب ما و نظام جمهوریت ماست. این سمبول آزادی، برادری و برابری ماست. پس بیائید ای خواهران و برادران! ای پیر و جوانان وطن تا با صفای قلب و به صمیمیت کامل، دست به دست همدیگر خود داده و در پرتو شعار جمهوریت و تحت سایه این بیرق مقدس ملی خود که در سر تا سرکشور ما امروز برافراشته میشود، باشور و عزم خلل ناپزیر به سوی زندگی بهتر و فردای امید بخش تری، به امید سعادت و سر فرازی وطن ما افغانستان عزیز پیش برویم

پاینده باد افغانستان

زنده باد جمهوریت، جاوید و سر بلند باد بیرق افغانستان²⁴

²⁴ _ انکشاف اقتصادی افغانستان در دوره شهید داودخان ، نصیبه اکرم حیدری ، پورتال افغان جرمن آنلاین

سرود ملی جمهوری :

پیش از ریاست جمهوری شهید محمد داود خان و در زمان نظام سلطنتی مرحوم ظاهرشاه افغانستان فاقد سرود ملی بود و در مراسم های رسمی ، سرودی به نام " سلام شاهی " نواخته میشد در زمان ریاست جمهوری شهید محمد داود خان سرود ملی جایگزین سلام شاهی شد .

سرود ملی توسط آقای عبدالروف بینوا سروده شد و آقای عبدالغفور برشنا آهنگساز آن بوده است .

خو چه دا ځمکه آسمان وی

خو چه دا جهان ودان وی

خو چه ژوند په دی جهان وی

خو چه پاتی یو افغان وی

تل به دا افغانستان وی

تل دی وی افغان ملت

تل دی وی جمهوریت

تل دی وی ملی وحدت

تل دی وی افغان ملت – جمهوریت

تل دی وی افغان ملت – جمهوریت

ملی وحدت – ملی وحدت

برگردان سرود ملی به فارسی دری :

تا که باشد این زمین و آسمان

تا که آباد باشد این جهان

تا که باشد زندگی اندر جهان

تا که یک افغان باشد در میان

جاودان باشد افغانستان

جاودان باد ملت افغان

جاودان باد وحدت ملی

جاودان باد افغان ملت – جمهوریت

جاودان باد افغان ملت – جمهوریت

وحدت ملی ، وحدت ملی

تغییرات دیگر :

گارد جمهوری :

پس از سقوط سلطنت و برپایی نظام جمهوری ، گارد سلطنتی به گارد جمهوری مبدل و فرماندهی آن به محترم ضیا مجید سپرده شد .

پول جدید هم که با عکس های رئیس جمهور مزین شده بود چاپ و توزیع شد .

دو باور نادرست نسبت به شهید محمد داود خان و
انقلاب سفید :

۱_ سفسطه :

هدف شهید محمد داود خان از انقلاب گرفتن انتقام از خانواده
سلطنتی بود

واقعیت :

شهید محمد داود خان همواره از تحول برای بهتر شدن وضعیت
کشور و ملت سخن میگفت ، او در ابتدا امیدوار بود پادشاه شخصا
برای این تحول اقدام کند اما تلاش های او منجمله فرستادن دو
نامه که در ملاحظه کردید به نتیجه ای نرسید .

۲_ سفسطه :

شهید محمد داود خان با کمونیست ها پیمان بسته بود که در صورت
سقوط سلطنت آنها را در قدرت شریک بگرداند .

واقعیت :

شهید محمد داود خان هیچگاه چنین پیمانی با کمونیست ها نبسته
بود .

محمد عزیز نعیم برادر زاده شهید محمد داود خان با رد این موضوع میگوید :

تا جایی که من از شخص رئیس جمهور پرسیده بودم که این پرسش در سال ۱۹۷۶ موجود بود ، طوری که افواه است و میگویند یک قرار داد سری و پنهانی بین به اصطلاح حزب حزب دموکراتیک خلق و قیام ۲۶ سرطان صورت گرفته ، آیا همین واقعیت دارد؟ خدا را شاهد آورد و گفت که این قطعاً واقعیت ندارد ، نه آشکار و نه پنهان با اینها ارتباطی (وجود) ندارد.²⁵

سلطان علی کشتمند یکی از رهبران حزب خلق هم این موضوع را تأیید میکند :

رابطه حزب با محمد داود خان بیشتر (یک رابطه ای که اگر بوده باشد) تا حدود معینی ذهنی و فکری بود و هیچگونه قراردادی در میان وجود نداشت .²⁶

²⁵ _ افغانستان در قرن بیستم ، محترم ظاهر ظنین ، ص ۱۷۴

²⁶ _ همان منبع ، ص ۱۷۵

منابع :

- ۱_ افغانستان در قرن بیستم ، محترم ظاهر طنین
- ۲_ کرباس پوشهای برهنه پا ، محترم محمد حسن شرق
- ۳_ تاسیس و تخریب اولین جمهوری افغانستان ، محترم محمد حسن شرق
- ۴_ جایگاه داود خان در تاریخ نوین افغانستان ، محترم استاد محمد اعظم سیستانی
- ۵_ گفتگوهای من با شاه ، اسدالله علم
- ۶_ رساله ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ ، محترم کریم عطایی
- ۷_ تلگرام سال ۱۹۷۳ از سفارت امریکا در کابل تحلیل دو ماهه کودتای داود خان ، محترم احمد فواد ارسلا
- ۸_ پاسخ مرحوم داود خان به یک خبرنگار خارجی ، محترم حفیظ الله خالد ، پورتال افغان جرمن
- ۹_ انکشاف اقتصادی افغانستان در دوره شهید داودخان ، خانم نصیبه اکرم حیدری ، پورتال افغان جرمن آنلاین